




## A Sociological Analysis of the Phenomenon of Tattooing among Adolescents and Young Adults in Mahabad: Semantic Implications and Policy Imperatives

**Fatemeh Khezri** , Master's student, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran. Email: jkhezri4367@urmia.ac.ir

**Afshar Kabiri** , Associate Professor, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran. (Corresponding Author) Email: a.kabiri@urmia.ac.ir

**Javad Jahangirzadeh** , Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University, Urmia, Iran. Email: j.jahangirzadeh@urmia.ac.ir

### Extended Abstract

**Introduction:** The phenomenon of tattooing, as one of the most controversial and meaningful practices among adolescents and young people, has consistently attracted the attention of researchers in sociology. This is because tattooing represents a manifestation of subcultures that form and spread beneath the surface of society, even when official institutions are reluctant to accept or publicize them. As a growing social and cultural behavior among youth, tattooing warrants scholarly investigation. This study, titled “Semantic Implications of the Tattooing Phenomenon Among the Youth of Mahabad City,” examines this phenomenon within the socio-cultural context of Mahabad using a social interpretive approach. The main objective was to uncover the motives and underlying reasons for tattooing among youth, as well as how they interpret and define this phenomenon.

**Methods:** This study aimed to understand the semantic implications of tattooing among the youth of Mahabad city. It adopted an interpretive approach and employed the qualitative method of grounded theory. The statistical population consisted of adolescents and young people aged 15 to 35 in Mahabad who had at least one tattoo experience. A combination of purposive and snowball sampling methods was used, and theoretical saturation was achieved after interviewing 23 individuals. Data were collected through semi-structured interviews and participant observation, and were analyzed using a three-stage coding procedure (open, axial, and selective).

**Findings:** The coding process yielded six axial categories: ambiguous and multi-layered identities, generational and social conflicts, multilayered symbol selection, psychological needs, inhibitory structures, and facilitating structures-all of which are mutually related to the central category. The core category, “redefining identity through the body as a space of resistance,” was extracted as the central concept of the research. The findings indicate that tattooing among the youth of Mahabad is not merely an aesthetic act but rather a meaningful social action rooted in psychological, identity-related, and protest needs. This concept demonstrates that Mahabadi youth use the tattooed body as a space to redefine their personal, cultural,



and ethnic identities in opposition to dominant social structures and institutions. The research further reveals that tattooing among Mahabadi youth functions as a symbolic tool for redefining identity against prevailing social, cultural, and political structures. In a society where young people navigate the intersection of local-ethnic (Kurdish), national-religious (Iranian-Islamic), and modern (globalized) identities, tattooing serves as a response to identity ambiguities through the selection of multi-layered symbols. These symbols simultaneously express individuality and collective belonging, transforming the body into a space for articulating neglected identities. The results indicate that the search for meaning and identity is the primary motivation for young people to get tattoos, reflecting a multi-layered and multi-dimensional identity. The types of tattoo designs can be classified into several main categories: symbols of ethnic identity, protest symbols, romantic symbols, and philosophical and artistic symbols. This diversity points to the plurality of ideas and identity discourses among adolescents and young people in Mahabad.

**Conclusion:** In conclusion, the phenomenon of tattooing among the youth of Mahabad city operates as a meaningful social and cultural act that transcends mere aesthetics and fashion. The findings show that tattooing is a multidimensional phenomenon related to multi-layered identities, generational conflicts, and psychological needs, and that it functions as a space of symbolic resistance against dominant social and cultural structures. This act is not only an expression of personal and ethnic identity but also provides an opportunity for youth to actively introduce and redefine themselves in the face of local norms and global influences. Therefore, tattooing in this context is understood as a symbol of the search for meaning and identity, as well as a form of protest against social and cultural limitations.

**Keywords:** Tattooing, identity, body, youth, social interpretation, Mahabad city.



## تحلیل جامعه‌شناختی پدیده خالکوبی در میان نوجوانان و جوانان مهآبادی: دلالت‌های معنایی و الزامات سیاستی آن

فاطمه خضری<sup>۱</sup>، افشار کبیری<sup>۲</sup>، جواد جهانگیرزاده<sup>۳</sup>

### چکیده

در دهه‌های اخیر، پدیده خالکوبی به‌عنوان یک پدیده چندبعدی اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. هدف این پژوهش، فهم دلالت‌های معنایی خالکوبی در میان جوانان شهرستان مهآباد است. برای دستیابی به این هدف، تحقیق با رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی به روش کیفی داده بنیاد انجام شده است. جامعه آماری این مقاله شامل نوجوانان و جوانان ۱۵ تا ۳۵ ساله شهرستان مهآباد بودند که حداقل یک تجربه خالکوبی در بدن خود داشتند. روش نمونه‌گیری در این پژوهش به دو روش هدفمند و گلوله برفی بوده که پس از مصاحبه با ۲۳ نفر اشباع نظری حاصل شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و مشاهده مشارکتی جمع‌آوری شد و با استفاده از روش کدگذاری سه‌مرحله‌ای (باز، محوری و گزینشی) تحلیل گردید. پس از کدگذاری در مجموع، ۶ مقوله محوری شامل هویت‌های مبهم و چندلایه، تعارضات نسلی و اجتماعی، گزینش نمادهای چندلایه، نیازهای روان‌شناختی، سازه‌های بازدارنده و سازه‌های تسهیل‌کننده شناسایی شدند که به‌طور متقابل با مقوله مرکزی در ارتباط هستند. همچنین مقوله مرکزی «بازتعریف هویت از طریق بدن به‌مثابه فضای مقاومت» به‌عنوان مفهوم هسته‌ای تحقیق از یافته‌ها استخراج شده است. نتایج تحقیق نشان داد که خالکوبی در میان جوانان مهآباد تنها یک عمل زیبایی‌شناختی نیست، بلکه نوعی کنش معنادار اجتماعی است که ریشه در نیازهای روانی، هویتی و اعتراضی فرد دارد. این مفهوم نشان می‌دهد که جوانان مهآباد از بدن خالکوبی شده به‌عنوان فضایی برای بازتعریف هویت شخصی، فرهنگی و قومی خود در برابر ساختارهای اجتماعی و نهادهای مسلط استفاده می‌کنند.

### واژگان کلیدی

خالکوبی، هویت، بدن، جوانان، تفسیرگرایی اجتماعی، شهر مهآباد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۹

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.  
fkhezri4367@gmail.com

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران. (نویسنده مسئول)  
a.kabiri@urmia.ac.ir

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.  
j.jahangirzadeh@urmia.ac.ir

## مقدمه

پدیده خالکوبی به عنوان یکی از کنش‌های بحث‌برانگیز و معنادار در میان نوجوانان و جوانان، همواره توجه پژوهشگران حوزه جامعه‌شناسی را به خود جلب کرده است؛ چراکه خالکوبی نمودی از خرده‌فرهنگ‌هایی است که زیر سطح جامعه شکل می‌گیرند و گسترش می‌یابند، حتی اگر نهادهای رسمی تمایلی به پذیرش یا علنی‌سازی آن نداشته باشند. به طوری که خانواده، قانون، دین، عرف اجتماعی و نظام سلامت از جمله نهادهایی هستند که مخالفت خود را با این پدیده ابراز داشته‌اند، اما با وجود این فشارها، جوانان بسیاری همچنان به نقش و نگارهایی که بر بدن خود حک می‌کنند، افتخار می‌ورزند و در موقعیت‌های مختلف آن را به نمایش می‌گذارند. به نظر می‌رسد جستجوی معنا و هویت، اصلی‌ترین انگیزه جوانان برای خالکوبی است، چنان‌که تفاوت نقش‌ها و نوشته‌های حک شده بر بدن جوانان متعلق به گروه‌های مختلف اجتماعی نیز گویای این امر است (شهابی، ۱۳۸۲: ۶).

جوانان امروز در وضعیتی مبهم و دشوار قرار دارند؛ از یک سو با خواسته‌ها و آرزوهای فراوان و ظرفیت‌های دنیای مدرن مواجه‌اند و از سوی دیگر با مشکلاتی مانند تأخیر در ازدواج، مشکل مسکن، ضرورت کسب مهارت‌های جدید و محدودیت سبک‌های زندگی روبه‌رو هستند. واکنش معمول جوانان به این وضعیت، گسترش میدان تجربه حال (زندگی روزمره) است (ذکایی، ۱۳۸۷: ۶۸). این میدان تجربه، عرصه‌ای است که جوانان تلاش می‌کنند با انتخاب‌ها و گزینش‌های جدید، احساس بی‌قدرتی خود را جبران کنند (ایراندوست، ۱۳۹۰: ۵). جوانان امروزی آشکارا مصرفی‌تر شده‌اند و زندگی را برای حال می‌خواهند؛ هدفشان بیشتر لذت از زمان کنونی است و برای خود تصمیم می‌گیرند و آزادی و استقلال عمل دارند. زیباسازی خویش و جاذبه‌های زیبایی‌شناختی با دوره جوانی پیوند یافته و تحقق آن برای جوانان اهمیت فراوان دارد (ذکایی، ۱۳۸۹).

بررسی و تحلیل خالکوبی در میان جوانان و نوجوانان از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا این گروه بیش از دیگران در جریان‌های اجتماعی و فرهنگی دخیل‌اند و هم‌زمان از تحولات جهانی تأثیر می‌پذیرند و بر آن تأثیر می‌گذارند. آنان فرهنگی را شکل می‌دهند که دارای ارزش‌ها، باورها و هنجارهای خاص خود در برابر فرهنگ مسلط است (شهابی، ۱۳۸۲: ۶). مطالعات پیشین در ایران (شهابی، ۱۳۸۲؛ ذکایی، ۱۳۸۷) بر نقش جوانان در شکل‌دهی به خرده‌فرهنگ‌ها و تقابل آن‌ها با فرهنگ مسلط تأکید داشته‌اند، اما کمتر به تحلیل نشانه‌شناختی پدیده خالکوبی، به‌ویژه در بافت‌های

قومی محور (مانند مهاباد) پرداخته‌اند. شهرستان مهاباد با موقعیت خاص فرهنگی، قومی و مذهبی خود، زمینه منحصر به فردی برای بررسی این پدیده فراهم کرده است. جمعیت غالب گُرد، وجود خرده فرهنگ‌های محلی و تأثیرات فرهنگی سیاسی در این شهرستان، باعث شده است که خالکوبی نه تنها یک سبک زندگی فردی باشد، بلکه نوعی بیان هویت قومی، اعتراض فرهنگی و حتی مقاومت نمادین در برابر ساختارهای اجتماعی باشد.

با این حال، مطالعات موجود درباره خالکوبی در ایران اغلب کمی و بدون رویکرد عمیق فرهنگی و اجتماعی بوده‌اند. این در حالی است که خالکوبی به عنوان یک پدیده چندبعدی، نیازمند رویکردی کیفی و نظریه‌محور است تا دلالت‌های معنایی آن در میان جوانان به خوبی شناسایی و تحلیل شود. همچنین، شکاف پژوهشی آشکاری در بررسی تفاوت‌های جنسیتی (الگوهای خالکوبی در دختران و پسران) و نیز تأثیر جهانی شدن بر ترجیحات نمادین جوانان وجود دارد (Pitts, 2003, 45).

اهمیت این پژوهش در آن است که با ترکیب رویکردهای جامعه‌شناسی بدن، نشانه‌شناسی فرهنگی و مطالعات قومیت، به تحلیل عمیق‌تری از کارکردهای خالکوبی در بافت یک جامعه اقلیت محور دست می‌زند. شهرستان مهاباد از این لحاظ بسیار درخور توجه است چون قریب به اتفاق جمعیت این شهرستان کرد زبان و سنی مذهب هستند. به علاوه گفتمان‌های هویت‌گرا در این شهرستان نسبتاً کوچک بسیار پررنگ‌تر از بعضی کلان‌شهرهای کشور و حتی کردنشین است. در همین راستا پرسش‌های کلیدی این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. دلایل و انگیزه‌های اصلی جوانان شهر مهاباد برای انجام خالکوبی چیست؟
۲. جوانانی که خالکوبی می‌کنند، چه تفسیری از پدیده خالکوبی دارند و چگونه از این پدیده برای توصیف و بازسازی تصویر بدن خود استفاده می‌کنند؟ پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند به درک بهتر بحران‌های هویتی نسل جوان، شکاف نسلی و تأثیر رسانه‌های دیجیتال بر بازتعریف مفاهیم سنتی کمک کند.

### پیشینه پژوهش

مهدوی (۱۴۰۱) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «اسطوره‌شناسی تاتو در بافت فرهنگی ایران (با تأکید بر رویکرد رولان بارت)» به بررسی معانی و کارکردهای تاتو در میان پنج چهره مشهور ایرانی پرداخت. این پژوهش به روش کیفی و با تحلیل

محتوای رسانه‌های جدید انجام شد و جامعه پژوهش شامل افرادی بود که تاتوی مشهود داشتند و در فضای مجازی بازتاب یافته بودند. داده‌ها از طریق تحلیل محتوای تصاویر و مصاحبه‌های منتشرشده گردآوری شد. نتایج نشان داد که انگیزه‌های تاتو در ایران عمدتاً در جهت هویت‌یابی، اعتراض و تمایز فردی است و برخلاف نظریه بارت، در تضاد با ایدئولوژی حاکم عمل می‌کند.

سنگی (۱۴۰۱) در پایان‌نامه خود با عنوان «ارتباط بین عزت‌نفس و پنج عامل اصلی شخصیت با میانجی‌گری تأثیر شبکه‌های اجتماعی در افراد دارای خالکوبی» با روش توصیفی همبستگی و نمونه‌گیری در دسترس از ۱۸۳ نفر دارای تاتو در شیراز، به بررسی نقش عزت‌نفس و ابعاد شخصیتی در گرایش به خالکوبی پرداخت. داده‌ها با پرسش‌نامه و تحلیل نرم‌افزاری SmartPLS گردآوری و تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که بین عزت‌نفس و پنج عامل شخصیت با خالکوبی ارتباط معناداری وجود ندارد، اما عواملی مانند عزت‌نفس پایین، ناامیدی و کم‌رویی در تمایل به خالکوبی مؤثرند. امید (۱۴۰۱) در مقاله «بررسی و تحلیل نقش‌های خالکوبی در مردان شهرستان ایوان» با استفاده از روش کیفی و نمونه‌گیری گلوله‌برفی از ۲۲۰ مرد، به مقایسه خالکوبی‌های سنتی و امروزی پرداخت. داده‌ها از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته جمع‌آوری شد. نتایج نشان داد که خالکوبی‌های سنتی بیشتر جنبه درمانی، آیینی و یادبود دارند، در حالی که خالکوبی‌های امروزی عمدتاً با انگیزه‌های اعتراضی، هنری و جلب توجه انجام می‌شوند و نمادهای جدیدی مانند علائم مسیحیت و شیطان‌پرستی نیز مشاهده می‌شود.

بهره‌بر (۱۳۹۹) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «رابطه اثربخشی از تبلیغات و اضطراب اجتماعی با خالکوبی در دختران جوان شهرستان گچساران» با روش توصیفی همبستگی و نمونه‌گیری تصادفی از ۲۰۰ دختر، به بررسی تأثیر تبلیغات و اضطراب اجتماعی بر تمایل به خالکوبی پرداخت. داده‌ها از طریق پرسش‌نامه و تحلیل آماری جمع‌آوری شد. نتایج نشان داد که بین اثربخشی از تبلیغات و اضطراب اجتماعی با خالکوبی رابطه معناداری وجود دارد و اضطراب اجتماعی نقش مهمی در گرایش به خالکوبی ایفا می‌کند.

افراسیابی و شریعتی‌نسب (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «بازنمایی معنا و تجربه خالکوبی در میان زنان جوان»، حسین افراسیابی و طاهره شریعتی‌نسب با استفاده از نظریه داده‌بنیاد و نمونه‌گیری گلوله‌برفی از ۱۲ زن ۱۹ تا ۳۶ ساله، به بررسی انگیزه‌ها

و معانی خالکوبی پرداختند. داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق گردآوری و با کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل شد. نتایج نشان داد که خالکوبی برای زنان جوان ابزاری برای اعتراض به ساختارهای کنترل‌گر اجتماعی و بیان خود است و مقوله نهایی پژوهش «خودتعیین‌گری هنجارشکنانه» بود.

عباس‌زاده (۱۳۹۸) در پایان‌نامه خود با عنوان «نشانه‌شناسی فرهنگی نقوش خالکوبی زنان بختیاری ساکن خوزستان» به روش مردم‌نگاری و نشانه‌شناسی فرهنگی، با استفاده از مصاحبه و مشاهده میدانی، به بررسی معانی و کارکردهای خالکوبی زنان بختیاری پرداخت. یافته‌ها نشان داد که خالکوبی علاوه بر جنبه زیبایی‌شناختی، کارکردهایی چون درمان، شفا، مقابله با نیروهای ماورایی و حفاظت از زنان باردار دارد و نقوش هندسی و نمادین مانند خورشید و بز کوهی در فرهنگ بختیاری برجسته است. عبدالله اطلی و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «خالکوبی روشی محبوب برای ابراز وجود خود در بین دانشجویان دانشگاه»، عبدالله اطلی و همکاران با رویکرد کیفی و انجام مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته رودررو با ۲۴ دانشجوی ۱۸ تا ۲۴ ساله از هشت شهر ترکیه، به بررسی تجربیات، دلایل و پیامدهای خالکوبی در میان جوانان پرداختند. داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق گردآوری شد و تحلیل مضمون صورت گرفت. نتایج نشان داد که خالکوبی برای جوانان ابزاری برای بیان فردیت، مقاومت در برابر هنجارهای اجتماعی و جلب توجه است. همچنین، واکنش خانواده و جامعه نسبت به خالکوبی غالباً منفی اما تجربه فردی معنادار و هویت‌بخش بود.

کوسوت<sup>۲</sup> (۲۰۱۴) پژوهشی با عنوان «هنری شدن خالکوبی: دگرگونی‌ها در یک حوزه فرهنگی» به روش کیفی انجام داده است. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق مشاهده و مصاحبه عمیق با ۲۰ هنرمند دارای خالکوبی بوده است. جامعه مشارکتی او استودیوهای خالکوبی در نیویورک بوده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که هنری شدن خالکوبی، آن را از عملی حاشیه‌ای به یک هنر معتبر تبدیل کرده است. این تحول، نقش خالکوبی را در بیان خلاقیت و بازتعریف مفاهیم زیبایی‌شناختی تقویت می‌کند.

پیتس تیلور<sup>۳</sup> (۲۰۰۳) پژوهشی با عنوان «در پوست و گوشت: سیاست‌های فرهنگی دستکاری بدن» به روش کیفی (تحلیل مصاحبه‌های عمیق) انجام داده است. ابزار

1. Atlı, A., Akkaya, M., & Şad, S. N.

2. Kosut

3. Pitts-Taylor

گردآوری داده‌ها در این تحقیق، مصاحبه‌های بازبیا ۳۰ فرد دارای دستکاری در بدن (خالکوبی و سوراخ‌کاری) در نیویورک و لس‌آنجلس بوده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که دستکاری بدن ابزاری برای مقابله با انگ اجتماعی، بازتعریف هویت جنسیتی و تحقق «خود ایده‌آل» است.

اتکینسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) پژوهشی با عنوان «خالکوبی‌شده: جامعه‌زایی هنر بدن» به روش کیفی (مردم‌نگاری) انجام داده است. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق، مشاهده مشارکتی در استودیوهای خالکوبی و مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۴۵ هنرمند و ۶۰ مشتری در شهرهای مختلف کانادا بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که خالکوبی به مثابه یک «هنر بدن»، ابزاری برای بازسازی هویت فردی و مقاومت در برابر هنجارهای اجتماعی است. مشارکت‌کنندگان از خالکوبی برای بیان تعلقات گروهی و ثبت روایت‌های شخصی استفاده می‌کنند.

اروین<sup>۲</sup> (۲۰۰۱) پژوهشی با عنوان «مشروعیت بخشیدن به خالکوبی» به روش کیفی (مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته) انجام داده است. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق، پرسش‌های بازدرباره تجربه خالکوبی با ۲۵ زن ۲۰ تا ۴۰ ساله در کالیفرنیا بوده است. یافته‌ها حاکی از آن است که زنان از خالکوبی برای مقابله با کلیشه‌های جنسیتی و بازتعریف بدن خود به عنوان فضایی مستقل استفاده می‌کنند، اما این فرآیند با چالش‌هایی مانند قضاوت اجتماعی همراه است.

دِمِلو<sup>۳</sup> (۲۰۰۰) پژوهشی با عنوان «بدن‌های نگارش: تاریخچه فرهنگی جامعه مدرن خالکوبی» به روش کیفی (تحلیل تاریخی فرهنگی) انجام داده است. ابزار گردآوری داده‌ها در این تحقیق، اسناد تاریخی و مصاحبه‌های عمیق با اعضای جامعه مدرن خالکوبی در ایالات متحده بوده است. یافته‌ها حاکی از آن است که خالکوبی از یک تابوی اجتماعی به یک پدیده فرهنگی پذیرفته‌شده تبدیل شده و نمادهای آن بیانگر پیوندهای جمعی و مقاومت در برابر حذف فرهنگی است.

### چارچوب مفهومی

تحقیقات کیفی در طول فرآیند پژوهش، رابطه‌ای پویا با نظریه حفظ می‌کنند. در واقع، «نظریه‌ها، تفسیرها یا الگوهای ساختاریافته‌ای را جهت بررسی و درک یک مسئله

1. Atkinson  
2. Irwin  
3. DeMello

ارائه می‌دهند» (Willis et al: 2007, 439) می‌توان بیان داشت، «نظریه‌ها به محققان «لنزهای» مختلفی ارائه می‌دهند که از طریق آن می‌توانند موضوعات و مسائل اجتماعی پیچیده را بررسی و ضمن ارائه چارچوب‌های تحلیلی، توجه را بر جنبه‌های خاصی از داده‌ها متمرکز کنند» (Reeves et al: 2008, 631). علاوه بر این، یکی از کاربردهای مهم نظریه‌ها در پژوهش‌های کیفی، «حساسیت نظری» است که یکی از دلایل عمده ارائه نظریه‌های گوناگون در این مطالعه است. مفهوم حساسیت نظری، توانایی محقق در تشخیص و شناسایی الگوهای معنادار نظری در داده‌های کیفی را نشان می‌دهد به عبارتی، ظرفیت و استعدادی بنیادی که مشاهدات تجربی خام و بینش‌های مفهومی را به هم پیوند می‌دهد (Mohajan and Mohajan, 2022 & Tsindos, 2023). به‌طور کلی، نظریه‌ها در تحقیقات کیفی به شکل پسینی و استقرایی الهام‌بخش محقق در درک حساسیت نظری و همچنین، ساخت مفاهیم و مقوله‌هاست. در این بخش از تحقیق به برخی از این نظریه‌ها و مفاهیم پرداخته می‌شود.

تبدیل شدن بدن به یک «پروژه» در دوران مدرن، بیانگر این ایده است که ظاهر، اندازه، شکل و حتی محتوای بدن، قابلیت بازسازی بر اساس خواست و طراحی صاحب آن را دارد. این رویکرد لزوماً به معنای اشتغال دائمی به تحولات گسترده در بدن نیست، اما به‌طور بالقوه می‌تواند چنین باشد. «پروژه‌ای دیدن بدن» شامل آگاهی و دغدغه‌مندی فعالانه افراد در خصوص مدیریت و ظاهر بدنشان است. به‌عبارت‌دیگر، این امر تأیید عملی اهمیت بدن‌ها، هم به‌عنوان منابع شخصی و هم به‌عنوان نمادهای اجتماعی است که بیانگر «خویشتن‌یابی» فرد هستند. در این راستا، بدن‌ها به موجودیت‌هایی شکل‌پذیر تبدیل می‌شوند که از طریق تلاش و چالاکی صاحبانشان، تغییر شکل می‌یابند. به‌گفته مول و لاو، تجربه سکونت در چنین بدنی، دیگر «تجربه هماهنگ بودن» - طبیعی و خود به خودی بودن» با بدن نیست، بلکه مستلزم تحقق «خویشتن متجسم» به‌عنوان یک کلیت، «هم زیر پوست و هم ورای پوست» است. پروژه‌های بدنی همچنین در تلاش‌اند تا حس خوبی نسبت به بدن خود داشته باشیم که این با مفهوم «نمود خود در زندگی روزانه» گافمن ارتباط معنایی دارد (شیلینگ، ۱۴۰۰: ۳۳).

در میان جامعه‌شناسان، نخستین بار زیمل بود که به مسئله پوشش و آرایش در قالب مد، پرداخت و وجه پروبلماتیک این پدیده را آشکار کرد. زیمل پدیده مد را در ارتباط با شهر، مصرف، هویت‌یابی، تمایز و هم‌رنگی بررسی می‌کند. زیمل در مقاله «فلسفه مد»، دلایل تعدد تغییر مد (همچون پوشاک، آشپزی، هنر، معماری و موسیقی)

در فرهنگ مدرن را بررسی می‌کند و نتیجه می‌گیرد، مردم سریع‌تر به مدهای جدید و متفاوت جذب می‌شوند؛ زیرا می‌خواهند به هویت شخصی متمایز خود شکل دهند. به نظر زیمل، در جوامع اولیه، افراد هویت خود را از گروه می‌گرفتند. از این رو، بسیار همگن بودند؛ اما در جوامع مدرن فرآیند هویت‌یابی فردی شده است. به نظر زیمل در شهرهای بزرگ، شخص مصرف می‌کند تا هویتی را که دوست دارد برای خود بسازد (باکاک، ۱۳۸۱: ۱).

نظریه ساخت‌یابی گیدنز<sup>۱</sup> از اهمیت فراوانی برای این بحث و درک فرایند تاتوزدن و معانی و انگیزه‌های پشت این نشانه‌ها برخوردار است. نظریه ساخت‌یابی گیدنز منحصر به فرد است زیرا نقاط تفکر متنوعی را از این حلقه‌های دوگانه ارائه می‌دهد. به گفته گیدنز، اجازه دادن به درک پتانسیل ساختار و عاملیت به عنوان رابطه‌ای همزیست و نه دوگانه، برای جستجوی دانش درباره اعمال فرهنگی بسیار سازنده است. این موضوع به‌ویژه به این دلیل است که اعمال فرهنگی که شامل عمل آگاهانه یک عامل هستند و همچنین سیستم‌های دانش و عملی که به‌طور اجتماعی ایجاد و معنادار می‌شوند، همگی به‌طور هم‌زمان پردازش شده‌اند و نه به‌طور جداگانه از یکدیگر (Giddens, 1991: 75-77).

به گفته گیدنز: «تحلیل ساخت‌یابی سیستم‌های اجتماعی به معنای مطالعه روش‌هایی است که چنین سیستم‌هایی بر اساس فعالیت‌های آگاهانه بازیگران مستقر که از قواعد و منابع در تنوع زمینه‌های عمل استفاده می‌کنند، تولید و بازتولید می‌شوند، در تعامل شکل می‌گیرد». پذیرش نقش بازیگران آگاه و همچنین اهمیت سیستم‌ها/ساختارهایی اجتماعی در تشکیل اجزای ساخت اجتماعی واقعیت، کلیدی برای درک این موضوع است که عملی مانند علامت‌گذاری دائمی پوست با جوهر باید همیشه به‌عنوان یک امر فردی و فرهنگی فهمیده شود. گیدنز، معتقد است بدن، همانند شخصیت، مکانی برای تعامل، تخصیص و تخصیص مجدد می‌باشد. توجه به بدن، جستجویی برای «هویت» است. می‌توان با رجوع به آن، تعریف مشخصی را که مقید به قواعد و انتظارات اجتماعی نیست، جستجو نمود (Giddens, 1985: 25).

ژیل دلوز با وام‌گیری از مفاهیم «صور خیال» و «رویداد»، به تبیین جایگاه بدن در تفکر خود می‌پردازد. «صور خیال»، تصاویری هستند که بر سطح بدن‌های انسانی نقش می‌بندند و نوعی «مادیت غیرجسمانی» ایجاد می‌کنند. این صور را تنها می‌توان

از طریق شمارش نقاطی با عمق‌های مشخص، به صورت کمی تعیین کرد. دلوز مفهوم صور خیال را از تحلیل‌های فروید در باب رویا، به‌ویژه «اختگی خیالی»، اقتباس می‌کند، با این تفاوت که صور خیال دلوزی نه تصاویر فرویدی هستند و نه دال‌های لاکانی، بلکه واقعی و مادی‌اند. به باور دلوز، اندیشه و معرفت، خالق صور خیال است و این صور، از طریق بدن و به واسطه دهان به‌مثابه ابژه اندیشه سروده می‌شوند. رویداد متناظر با این فرآیند، «دارم فکر می‌کنم» است که نشان‌دهنده پیوند وثیق بین اندیشه، بدن و صور خیال در فلسفه دلوز است (لش، ۱۳۸۳: ۹۵-۹۴).

بدن و هویت اجتماعی از نظر دلوز تجسمی غیرمادی است که در تقابل با امر لیبیدویی و نیروهای اجتماعی لیبیدویی شکل می‌گیرد. این امر نشان می‌دهد که دیگر نظریات بدن از استنباط تجربی نیچه به‌عنوان اندامی مادی و زیستی دور شده است و نظریات نوین تحت آرای فوکو و دلوز شامل مجموعه سازوکارهایی است که بدن با آن‌ها خود را بازتولید می‌کند. میل از نظر دلوز یک سرهم‌بندی است تا بدانجا که هم متضمن تولید یک هویت است و هم متضمن تولیدهای میل‌گر. بر همین سیاق بازتولید‌پذیری بودن بدن و درعین‌حال دگرگونی و بازتولید هویت‌های اجتماعی و فردی در مدرنیته

متأخر و جامعه‌شناسی پست‌مدرن جایگاه مهمی یافته است (لش، ۱۳۸۳: ۹۹-۹۸).

یکی از پرسش‌های مطرح در فلسفه سیاسی متأخر نسبت قدرت، سوژه و بدن است؛ میشل فوکو از متفکرین برجسته‌ای است که بدین مسئله می‌پردازد. وی نه تنها تبار سوژه مدرن را می‌کاود بلکه از فناوری‌های خود، به‌عنوان مجموعه‌ای از سازوکارهایی یاد می‌کند که از طریق آن خود بر بدن خویشتن اعمال قدرت می‌کند (توانا و علی پور، ۱۳۹۴، ۱). چه از نظر فوکو هر رابطه‌ای - چه با خود و چه دیگری - نه تنها واجد قدرت است بلکه از طریق بدن سوژه اعمال می‌گردد. به همین واسطه است که وی بدن سوژه را محمل قدرت می‌داند (فوکو، ۱۳۸۷: ۳۷۹۹). می‌توان گفت که فوکو بدن را فرآورده قدرت و دانش می‌پندارد و آن را ساخته و پرداخته اجتماع می‌داند که فرد می‌تواند آن را تغییر دهد، عرضه کند و حتی از لحاظ اجتماعی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. فوکو پیکر آدمی را در ارتباط با مکانیسم‌های قدرت تحلیل می‌کند، بدن انسان کانون قدرت می‌شود و این قدرت به‌جای آنکه همچون دوران ماقبل مدرن تجلی برونی پیدا کند، تحت انضباط درونی ناشی از کنترل ارادی حرکات بدن قرار می‌گیرد (ارمکی و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۶۱).

در نگاه فوکو (۱۳۷۸) بدن مستقیماً درگیر حوزه سیاسی است و روابط قدرت ضمن سرمایه‌گذاری در بدن، مبادرت به سرمایه‌گذاری و نشانه‌گذاری و تربیت آن می‌کند و بدن را برای ادای وظایف و ساطع کردن انواع نشانه‌ها تحت فشار قرار می‌دهد. بر همین اساس بدن سوژه تحت لوای قدرت سیاسی و اسباب و لوازم انضباط‌بخش ساخته می‌شود. از این رو مطالعه تأثیر قدرت و عمل سیاسی بر بدنمندی سوژه یا خود فرد حائز اهمیت می‌گردد. همان‌گونه که ژان ماری بروم می‌گوید؛ هرگونه سیاستی خود را از طریق خشونت، الزام و محدودکردن بدن به اجرا درمی‌آورد. از این رو هرگونه نظم و قدرت سیاسی بانظم بدنی همراه است چراکه موقعیت انسانی اساساً موقعیتی بدنی است (بروتون، ۱۳۹۲: ۱۱۶).

نظریه‌پرداز دیگر که نظریه‌هایش قدرت تبیین‌پذیر خالکوبی را دارد، پیر بوردیو است. بوردیو این نکته را برجسته می‌سازد که چطور کالایی شدن مدرن بدن خویشتن‌یابی افراد را به شدت به خویشتن‌های فیزیکی مان سنجا می‌کند (شیلینگ، ۱۴۰۰: ۳۴۰). بوردیو، با استفاده از مفهوم «سرمایه فیزیکی» ارتباط ویژگی‌های جسمانی را با دیگر صورت‌های سرمایه تشریح می‌کند. وی «سرمایه بدنی» را منبع فرهنگی سرمایه‌گذاری شده در بدن می‌داند. تولید «سرمایه فیزیکی» درگرو توسعه بدن است که طی آن، بدن حامل ارزش در زمینه‌های اجتماعی می‌شود. بدن یک «ماهیت ناتمام» حامل «ارزش‌های نمادین» است و گسترش آن برای نگهداشت نابرابری‌های اجتماعی ضروری می‌باشد. افراد طبقات بالاتر یا طبقات مرفه‌تر فرصت و شانس بیشتری برای مراقبت از بدن خود دارند، بوردیو در اثر تمایز نشان می‌دهد که سلیقه مقوله‌ای اجتماعی است و صرفاً به واسطه نزاع و کشمکش عوامل و کنشگران فعال می‌تواند تغییر کند و افراد طبقات اجتماعی بالاتر، توانایی این را دارند که سلیقه‌هایشان را موردپسند همگان بسازند و البته با سلاقی افراد طبقات پایین به مخالفت پردازند و بنابراین معیارهای زیبایی و تناسب طبقات بالا و نیاز معیارهای زیبایی کشورهای پیشرفته مقبولیتی همگانی می‌یابد. وی در تحلیل خود از بدن به کالایی شدن بدن در جوامع مدرن اشاره می‌کند که به صورت سرمایه فیزیکی ظاهر می‌گردد و تولید این سرمایه فیزیکی را درگرو رشد و گسترش بدن است، به گونه‌ای که بدن را حامل ارزش‌های درزمینه اجتماعی می‌کند؛ اصولاً، می‌توان پایه دستکاری‌های ظاهری بدن را بصری شدن هویت در عصر مدرنیته دانست مدرنیته وضعیتی را فراهم کرده است که کنشگران اجتماعی می‌توانند با پویایی بیشتری در پی هویت شخصی خود بوده و از بند جامعه

رهایی یابند (پوررجبی و مجدی، ۱۳۹۹: ۵۳).

گافمن معتقد است که بین خوداجتماعی و یا هویت اجتماعی<sup>۱</sup> با خود واقعی فاصله وجود دارد. وی برداشت از خود را با رهیافت نمایشی تشریح می‌کند. گافمن با رویکرد نمایشی خود نقش‌های اجتماعی و موقعیت‌های اجتماعی را تنها نمایش‌هایی می‌بیند که در زندگی روزمره اجرا می‌شود. به عقیده او خود افراد به وسیله نقش‌هایی که در این موقعیت‌ها اجرا می‌کنند شکل می‌گیرد و معنا می‌یابد. گافمن ضمن استفاده از مفهوم خود تا اندازه زیادی به بدن اشاره دارد. از دید او عاملان بدنی یا جسمی نیز رأی جمع‌کن‌هایی هستند که با توسل به همه روش‌های علامت‌دهی اجتماعی، سعی دارند نظر دیگران را به خود جلب کنند. این عاملان بدنی معرف‌های تجسد یافته منش و منزلت‌اند که می‌توانند توسط دیگر کنشگران تفسیر شوند. (لوپز و اسکات، ۱۳۸۵: ۱۵۵). به نظر گافمن خود یک چیز اندامی نیست که جای خاصی داشته باشد، پس در تحلیل «خود» باید از صاحب خود، یعنی از کسی که بیشترین و سود یا زیان را از خود می‌برد، صرف‌نظر کنیم، زیرا او و بدن او تنها کاری که می‌کنند این است که قلبی را فراهم می‌کنند تا بتوان یک نوع فرآورده‌گروهی را برای یک مدت معین به آن آویزان کرد (ریتزر، ۱۳۷۴: ۲۹۱).

موریس روزنبرگ، میان خود موجود، خود دلخواه و خود وانمودی نیز تمایز قائل می‌شود. خود موجود، تصویری است که ما هم‌اکنون از شکل خودمان داریم، خود دلخواه، تصویری است از آنچه دوست داریم باشیم؛ و خود وانمودی، شیوه‌ای است که ما در یک موقعیت، خودمان را نشان می‌دهیم (ریتزر، ۱۳۷۷: ۲۹۰). سه خودی که روزنبرگ اشاره می‌کند به نوعی همه ما درگیر آن هستیم؛ خود موجود، آن خودی است که الان داریم و شاید بتوان از آن به عنوان خود واقعی نیز نام برد؛ اما دو خود دیگر که - خود دلخواه و خود وانمودی - خود غیرواقعی است یعنی فرد در خود دلخواه، یک خود آرمانی در ذهن خود؛ تصور می‌کند و در خود وانمودی نیز فرد خودش را به نمایش می‌گذارد و اینجاست که سعی دارد خودی که ارائه می‌دهد، خود ایدئال باشد که در خالکوبی‌ها و تاتوها این ابعاد خود را نشان می‌دهد.

همان‌طور که بیان شد، در تحقیقات کیفی هدف از چارچوب مفهومی و مرور نظریه‌ها، «حساسیت نظری» است. می‌توان گفت که حساسیت نظری توانایی تشخیص این است که چه چیزی در داده‌ها مهم است و قدرت معنی‌دادن بدان را دارد. حساسیت نظری کمک

می‌کند تا نظریه‌ای را تنظیم کنیم که با واقعیت پدیده مورد مطالعه مطابقت کند (Corbin & Strauss, 2014). در واقع، مرور چارچوب مفهومی و نظریه‌های مرتبط از جمله: «نظریه نمایشی گافمن»، «مُد زیمل»، «خود وانمودی روزنبرگ»، «سرمایه فرهنگی و نمادین بوردیو»، «جامعه انضباطی فوکو» و «صور خیال دلوز» و فرایند حساسیت نظری، به‌مثابه لنزی عمل می‌کنند که محقق قبل از ورود به میدان تحقیق با دیدی جامع و گسترده‌تر پدیده مورد مطالعه را بررسی نماید و همچنین، به‌عنوان راهنمای تدوین مصاحبه‌نامه و ویرایش آن و شناسایی مفاهیم و مقولات نیز کاربرد دارند.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف فهم دلالت‌های معنایی پدیده خالکوبی در میان جوانان شهرستان مهاباد، بارویکرد تفسیری و بهره‌گیری از روش کیفی نظریه داده‌بنیاد<sup>۱</sup> انجام شده است. انتخاب این رویکرد به دلیل ماهیت پیچیده، چندلایه و معناساز پدیده خالکوبی و ضرورت کشف معانی نهفته در تجربه زیسته جوانان صورت گرفته است. در این روش گردآوری داده‌ها و تحلیل با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ‌اند. در این روش پژوهشگر کار را با نظریه‌ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی‌کند. بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد تا نظریه از درون داده‌هایی که گرد می‌آورد پدیدار شود (استراوس و کربین، ۱۳۹۰: ۳۴). نظریه داده‌بنیاد به پژوهشگر امکان می‌دهد تا بدون پیش‌فرض‌های نظری اولیه و با اتکا به داده‌های میدانی، به کشف و تبیین فرایندهای اجتماعی و معنایی پدیده مورد مطالعه بپردازد (Charmaz, 2014: 5). این روش به‌ویژه برای جوامعی مانند مهاباد که تحت تأثیر تنش‌های قومی- مذهبی و جهانی شدن هستند، مناسب است، زیرا به تحلیل فرآیندهای هویت‌سازی در بافت محلی کمک می‌کند.

جامعه آماری این تحقیق شامل نوجوانان و جوانان ۱۵ تا ۳۵ ساله ساکن شهرستان مهاباد بود که دست کم یک خالکوبی مشهود بر بدن خود داشتند. با توجه به رویکرد کیفی و هدف کشف عمیق تجارب، نمونه‌گیری به شیوه هدفمند<sup>۲</sup> آغاز شد و در ادامه برای دسترسی به مشارکت‌کنندگان واجد شرایط و متنوع‌تر شدن داده‌ها، از نمونه‌گیری گلوله برفی<sup>۳</sup> استفاده گردید (Creswell & Poth, 2018). فرآیند نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و در نهایت پس از انجام ۲۳ مصاحبه، داده‌ها به اشباع رسید

1. Grounded Theory  
2. Purposeful Sampling  
3. Snowball Sampling

تحلیل جامعه‌شناختی پدیده خالکوبی در میان نوجوانان و جوانان [...] |

و نمونه‌گیری متوقف شد. این حجم نمونه با مطالعات مشابه در جوامع قومی محور مانند پژوهش (Mun, Janigo, & Johnson, 2012. 134-148) همخوانی دارد. در جدول ۱. مشخصات نمونه آماری و مصاحبه‌شوندگان را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مشخصات نمونه آماری و مصاحبه‌شوندگان

ردیف	نام	سن	جنس	وضعیت تاهل	وضعیت اشتغال	سطح تحصیلات	سن خالکوبی شده
۱	فردین	۲۶	مذکر	مجرد	مغازه‌دار	فوق دیپلم	۱۶
۲	دانا	۲۷	مذکر	مجرد	مدیر فروش	لیسانس	۲۲
۳	سامان	۲۹	مذکر	مجرد	آزاد	لیسانس	۱۴
۴	نادیا	۳۰	مؤنث	مجرد	کارمند	لیسانس	۱۶
۵	میدیا	۳۵	مؤنث	متاهل	کارمند	لیسانس	۱۸
۶	رامین	۲۱	مذکر	مجرد	بیکار	زیر دیپلم	۱۷
۷	رحمت	۲۶	مذکر	مجرد	آرایشگر	زیر دیپلم	۲۴
۸	آدریان	۲۱	مؤنث	مجرد	بیکار	دیپلم	۱۸
۹	کسری	۲۱	مذکر	مجرد	کافه‌داری	دیپلم	۱۶
۱۰	پویا	۱۹	مذکر	مجرد	آزاد	دیپلم	۱۴
۱۱	بهنام	۲۴	مذکر	مجرد	بیکار	فوق دیپلم	۱۲
۱۲	سینا	۲۵	مذکر	مجرد	بیکار	فوق دیپلم	۱۲
۱۳	عرفان	۲۱	مذکر	مجرد	فروش اینترنتی	فوق دیپلم	۱۶
۱۴	ساسان	۲۴	مذکر	مجرد	مغازه‌دار	فوق دیپلم	۱۴
۱۵	فاتحی	۳۳	مذکر	مجرد	آژانس مسکن	لیسانس	۱۶
۱۶	داودی	۳۴	مذکر	مطلقه	نقاشی دیوار	زیر دیپلم	۱۶
۱۷	هدیه	۲۱	مؤنث	مجرد	بیکار	فوق دیپلم	۱۲
۱۸	صدف	۲۳	مؤنث	مجرد	آرایشگر	فوق دیپلم	۱۷
۱۹	شیلان	۱۹	مؤنث	مجرد	بیکار	فوق دیپلم	۱۸
۲۰	سوگند	۳۳	مؤنث	متاهل	آرایشگر	لیسانس	۱۶
۲۱	سیران	۲۷	مؤنث	مجرد	آرایشگر	دیپلم	۲۵
۲۲	مینا	۳۵	مؤنث	متاهل	آرایشگر	دیپلم	۱۹
۲۳	بهار	۳۲	مؤنث	مجرد	کارمند	لیسانس	۱۶

داده‌های پژوهش عمدتاً از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته عمیق با مشارکت‌کنندگان گردآوری شد. برای افزایش اعتبار داده‌ها، علاوه بر مصاحبه، از مشاهده مشارکتی<sup>۱</sup> در محیط‌های عمومی و فضاهای اجتماعی جوانان بهره گرفته شد (Flick, 2018). هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید و پرسش‌های کلیدی حول محورهای انگیزه‌های فردی و اجتماعی خالکوبی، تجربه زیسته از فرآیند خالکوبی و تفسیر نمادها و نقش‌ها طراحی شده‌اند. تحلیل داده‌ها با استفاده از روش کدگذاری سه‌مرحله‌ای نظریه داده‌بنیاد شامل کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام شد (Strauss & Corbin, 1998). در مرحله کدگذاری باز، مفاهیم اولیه از دل داده‌ها استخراج و برچسب‌گذاری شد. در این مرحله ۹۰ کد اولیه شناسایی شد. در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیم مشابه در قالب مقوله‌های محوری دسته‌بندی گردید و روابط علی، زمینه‌ای و پیامدی میان آن‌ها شناسایی شد. در این مرحله ۶ مفهوم محوری با ۳۰ زیر مقوله شناسایی شد. در مرحله کدگذاری گزینشی، مقوله مرکزی پژوهش به‌عنوان «بازتعریف هویت از طریق بدن به‌مثابه فضای مقاومت» شناسایی شد و سایر مقولات حول این مفهوم هسته‌ای سازمان‌دهی شدند. جدول شماره ۲ حاصل کدگذاری داده‌ها می‌باشد. برای افزایش اعتبار و اعتمادپذیری پژوهش، از راهبردهایی چون بازبینی مشارکت‌کنندگان<sup>۲</sup>، مقایسه مستمر داده‌ها<sup>۳</sup> و یادداشت‌برداری میدانی استفاده شد (Lincoln & Guba, 1985). همچنین، جهت اطمینان از روایی تفسیرها، بخشی از داده‌ها و تحلیل‌ها با همکاران پژوهشی و صاحب‌نظران حوزه جامعه‌شناسی به اشتراک گذاشته شد (کبیری، ۱۴۰۳).

## یافته‌های پژوهش

### مقولات اصلی

#### خالکوبی هویتی مبهم و چندلایه

خالکوبی، پدیده‌ای که در میان جوانان شهر مهاباد رواج یافته، فراتر از صرف یک زینت بدنی، به‌مثابه کانونی پیچیده و چندلایه برای بیان هویت فردی، اجتماعی و فرهنگی در حال تجلی است. این عمل، نه‌تنها جنبه‌های زیبایی‌شناختی را در برمی‌گیرد، بلکه به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای نمایش هویت‌های مبهم و متکثر که حاصل تعامل جوانان با شرایط گوناگون زندگی‌شان است، عمل می‌کند.

1. Participant Observation
2. Member Check
3. Constant Comparison

جدول ۲. جدول کدگذاری

کدگذاری محوری	کدگذاری ثانویه	کدگذاری اولیه
هویت‌های مبهم و چندلایه	زیبایی و جذابیت، بیان هویت و شخصیت، یادآوری خاطرات و تجربیات، واکنش به رویدادهای زندگی، جستجوی معنا	زیبایی و داشتن جذابیت در جمع، زیبایی و جذابیت خالکوبی، خالکوبی برای خود فرد نه برای دیگران، خالکوبی به منظور ابراز وجود، خالکوبی برای بیان علائق شخصی، خالکوبی به عنوان نماد خانواده‌گرایی، خالکوبی به عنوان نماد آرامش و زیبایی-خالکوبی به عنوان بیان درونیات خالکوبی به منظور یادآوری خاطره، خالکوبی به عنوان یادآور شخصی، خالکوبی به عنوان نماد تغییر شخصی، خالکوبی به عنوان واکنش به ناراحتی و بی‌محبتی خانواده، خالکوبی به عنوان واکنش به شکست عاطفی.

**زیبایی و جذابیت:** بی‌تردید، یکی از محرک‌های اصلی گرایش جوانان به خالکوبی، میل به ارتقای زیبایی ظاهری و ایجاد جذابیت است. خالکوبی به عنوان یک اثر هنری بر بدن، به جوانان کمک می‌کند تا خود را متمایز و دلپذیرتر جلوه دهند. این تمایل، به‌ویژه در بافت فرهنگی مهاباد که سنت و مدرنیته درهم آمیخته‌اند، نه تنها نشان‌دهنده پذیرش مد روز، بلکه می‌تواند نوعی مقاومت در برابر محدودیت‌های فرهنگی تلقی شود. مصاحبه‌کنندگان شماره ۳ می‌گویند: «تنو فقط واسه زیبایی است. از چیزهای نرمال خوشم نیامد، مثلاً دستم ساده باشه دوست ندارم».

مصاحبه‌کننده شماره ۱۱ می‌گوید: «تنها هدفم زیبایی بود ولی بعد از یه مدتی از چشمم افتاد والان انگار نه‌انگار که خالکوبی دارم فقط واسه یه مدت بود، بعد تموم شد. اولاش دوست داری تو دید باشه اما بعد هیچی یادت میره که حتی تنو داری».

**بیان هویت و شخصیت:** خالکوبی، برای بسیاری از جوانان مهابادی، وسیله‌ای برای بیان هویت و شخصیت فردی محسوب می‌شود. طرح‌ها، رنگ‌ها و مضامین خالکوبی‌ها، اغلب بازتاب‌دهنده ارزش‌ها، علائق و باورهای شخصی هستند. این امر به جوانان امکان می‌دهد تا هویت خود را به‌صورت بصری و واضح به دیگران منتقل کنند. این بیان هویت می‌تواند به‌عنوان تلاشی برای تأکید بر استقلال فردی و تمایز از دیگران تفسیر شود.

مشارکت‌کننده شماره ۱ می‌گوید: «همشون شخصیت خودم هستن، رفتارهام، عملم. من شخصیت خودمو در این تنوها پیدا می‌کنم».

مشارکت کننده شماره ۹ می گوید: K2 لقب خودمه ۱۴ سال که بودم اینو زدم و با این منو می شناسند تو کل شهر.

**یادآوری خاطرات و تجربیات:** خالکوبی، برای برخی از جوانان، راهی برای ثبت و یادآوری خاطرات و تجربیات شخصی است. طرح های خاص خالکوبی ها می توانند به عنوان نمادهایی از لحظات مهم زندگی، افراد خاص یا تجربیات عمیق عمل کنند. این امر، خالکوبی را به یک ابزار حافظه تبدیل می کند که به افراد کمک می کند تا با گذشته خود ارتباط برقرار کرده و آن را به صورت دائمی در ذهن خود حفظ کنند. به عنوان مثال: مصاحبه کننده شماره ۱ می گوید: به خاطر عشق خانمی اون روزم و هنوز هم که هنوزه باهاش رابطه دارم و هر موقع دلم براش تنگ میشه به این خالکوبی نگاه می کنم و اونو به یادم میاره.

مشارکت کننده شماره ۴ می گوید: یک آهنگه قدیمیه و به خاطر پدرم زدم و به یاد پدرم. بزرگترین شکست عاطفی زندگیم پدرم بود به یکبار نابودم کرد و رفت.

**واکنش به رویدادهای زندگی:** خالکوبی، گاهی به عنوان واکنشی به رویدادهای مهم یا تغییرات عمیق در زندگی جوانان عمل می کند. این رویدادها می توانند شامل تغییرات شخصی، تحولات اجتماعی یا حتی حوادث منفی باشند. در این حالت، خالکوبی می تواند به عنوان یک مکانیسم مقابله ای یا راهی برای پردازش احساسات و تجربیات عمل کند.

مشارکت کننده شماره ۱۳ می گوید: یکی هم در مورد تغییر است من دوره ای در زندگی داشتم که اخلاق و رفتارم عوض شد اولین تتوم مربوط به این تغییر بود که هفده سالم بود.

مشارکت کننده شماره ۷ می گوید: به خاطر پدرم اینو زدم اون موقع که در دوران بلوغ بودم گاهی اوقات ناراحت میشدم. مثالی از پروانه برام آورد و برام توضیح داد پروانه چطوری از یک کرم تبدیل به پيله و بعد تغییراتی درش ایجاد میشه و تبدیل به پروانه میشه و قشنگ تر میشه و پیشرفت میکنه. این تغییرات واسم جالب بود.

**جستجوی معنا:** در نهایت، خالکوبی برای برخی از جوانان شهر مهاباد به عنوان بخشی از جستجوی معنا در زندگی عمل می کند. این جستجو می تواند شامل کشف معنای شخصی، اتصال به ارزش های عمیق تر یا حتی تلاش برای درک نقش خود در جامعه باشد. این زیر مفهوم نشان می دهد که خالکوبی می تواند یک فرآیند وجودی باشد که به جوانان کمک می کند تا درک بهتری از خود و جایگاه خود در دنیا پیدا کنند.

رحمت که چند شکل که با هم ارتباط معنایی دارند حک کرده بود، می‌گوید: میتزایی یه فلسفه زندگیست در زاگرس. میترا هفت صفت دارد یکیشون بلوط که به معنای مقاومت و کوهستانی بودن زاگرس است. عرفان که می‌گوید: معنی برایش مهم است و یک نوشته که روی آن نوشته می‌آیند و می‌روند، می‌گوید: معنیش اینه که هیچ‌چیز ابدی نیست مثل خوشی و ناخوشی که ابدی نیستند یا انسان‌ها که می‌آیند و بعد میرن.

### تعارضات نسلی و اجتماعی

در این پژوهش، «تعارضات نسلی و اجتماعی» به‌عنوان مفهومی کلیدی، چالش‌ها و پیچیدگی‌های ناشی از خالکوبی در میان جوانان مهاباد را بررسی می‌کند. خالکوبی، به نمادی از تقابل با ساختارهای اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای حاکم تبدیل شده و این تقابل در شکاف بین نسل‌ها و در سطح کلان جامعه مشهود است. در ادامه، ارتباط زیرمقوله‌های مختلف با این کد محوری بررسی خواهد شد.

جدول ۳. جدول کدگذاری

کدگذاری محوری	کدگذاری ثانویه	کدگذاری اولیه
تعارضات نسلی و اجتماعی	نگاه منفی جامعه، تأثیر بر روابط اجتماعی، نگرانی از قضاوت‌های دیگران، تعارض نسلی، عادی شدن خالکوبی در جامعه. فضای فرهنگی و قومی مهاباد	نگاه منفی جامعه به خالکوبی (لات، زندانی) - داشتن برجسب‌های منفی خالکوبی (لات، شرخر، روانی) - نگرش منفی اجتماعی به خالکوبی در جامعه - تأثیر خالکوبی بر قضاوت دیگران - قضاوت جامعه بر اساس ظاهر و خالکوبی - تأثیر خالکوبی بر روابط عاطفی و اجتماعی - نگاه مثبت به خالکوبی در جامعه امروز - تأثیر تغییرات فرهنگی و نسلی در تنو - معنای اجتماعی و گروهی خالکوبی - فضای خاص (کردی، سنتی، نوگرایی) مهاباد

**نگاه منفی جامعه:** خالکوبی در بسیاری از جوامع سنتی و فرهنگی، از جمله مهاباد، با برجسب‌های منفی و غیراخلاقی همراه است. این نگرش منفی ریشه در باورهای فرهنگی، مذهبی و اجتماعی دارد و باعث ایجاد تعارض بین جوانانی می‌شود که خالکوبی را بخشی از هویت و فردیت خود می‌دانند و جامعه‌ای که آن را نمی‌پذیرد. سخنان مشارکت‌کنندگان در پژوهش، این تعارض را به‌وضوح نشان می‌دهد. فردین می‌گوید: ببینید تو جامعه ما معمولاً کسی که خالکوبی داره بهش میگن لات یا زندانیست و به نظرم قدیم به این شکل بوده. برای مثال شما یک مشکل دادگاهی

برات پیش میاد، خوب آگه تیشرت بپوشی و آگه قاضی خالکوبی شمارو ببینه، آگه پرورنده حتی به نفع شما هم باشه بازم خطا کار شما بید و اذیتت میکنه.

بهنام می گوید: کسی منو این طوری ببینه اذیت میشم و الانم از خالکوبی هام پشیمونم، فقط چون روی گردنم هستند والا آگه پول داشتم تمام بدنمو خالکوبی می کردم. ولی الان دوست دارم جایی اونو بزنم که کسی نبینه چون جامعه ما کسی که خالکوبی داشته باشه بهش میگن لات و ولگرد.

**تأثیر بر روابط اجتماعی:** خالکوبی می تواند نحوه تعامل جوانان با خانواده، دوستان و همکاران را تحت تأثیر قرار دهد. قضاوت شدن و حتی طرد شدن از روابط اجتماعی، از پیامدهای منفی احتمالی این پدیده است. این زیرمفهوم نشان می دهد که خالکوبی می تواند تنش هایی را در روابط اجتماعی ایجاد کند، به ویژه زمانی که به عنوان یک نشانه منفی تلقی شود. سخنان شرکت کنندگان، گواه این مدعاست.

مشارکت کننده شماره ۸ می گوید: من آگه تتوزدم مادرم ۶ ماه باهام صحبت نکرد و برادرم هم راضی نبود الان یک ساله بهم میگه برام تتو بزن من واسش نمیزنم.

مشارکت کننده شماره ۱۴ می گوید: واسم مهم نیست که مردم عادی اونو ببینند و واسم مهم نیست که جامعه راجع به من چی فکر میکنه گرچه مردم میگن حتماً اختلال روانی داره واسه همین تتو زده.

**نگرانی از قضاوت های دیگران:** نگرانی از قضاوت منفی دیگران، دغدغه ای جدی برای جوانان خالکوبی کرده است و تصمیمات آنان را در انتخاب طرح و محل خالکوبی تحت تأثیر قرار می دهد. این امر، نمایانگر تعارض بین تمایلات فردی و انتظارات جامعه بوده و تلاش برای پنهان سازی خالکوبی یا نگرانی از تأثیر آن در موقعیت های اجتماعی و قانونی، گواه این مدعاست. این نگرانی ارتباط مستقیمی با تعارضات نسلی و اجتماعی دارد، زیرا جوانان در تلاش برای برقراری تعادل بین ابراز هویت شخصی و پذیرش هنجارهای اجتماعی هستند.

مشارکت کننده شماره ۶ می گوید: سعی می کنم تتو هامو جاهایی بزنم که مردم اونو نبینند. میتونم بگم که در کشور ما یه دیدگاهی که نسبت به تتو دارند اشتباهه. فقط افراد خاصی مثل برادرم و خواهر و پدر و مادرم دوست دارم تتو هامو ببینند.

مشارکت کننده شماره ۱۰ می گوید: در حال حاضر مردم با ظاهر و خالکوبی و طرز لباس پوشیدن قضاوتت میکنن؛ و بهت میگن لات و شرخر و اهل دعوا. مثلاً رفتم آگاهی و گفتم من اینکا رو نکردم، گفتند که از روی خالکوبی هات معلومه که کارخودته

**تعارض نسلی:** در مهاباد، خالکوبی به‌عنوان نمادی از هویت فردی و فرهنگی در میان جوانان رواج دارد، درحالی‌که نسل‌های قدیمی‌تر اغلب آن را مغایر با ارزش‌های سنتی می‌دانند. این اختلاف‌نظر، مصداقی از «تعارضات نسلی و اجتماعی» است و نشان‌دهنده شکاف فرهنگی بین نسل‌ها در نگرش به این پدیده است. این تضاد دیدگاه‌ها مستلزم درک عمیق‌تر و یافتن رویکردهای سازنده برای کاهش تنش‌های ناشی از آن است. مشارکت‌کننده شماره ۱۷ می‌گوید: جامعه یک دیدگاه منفی نسبت به تتو دارند مخصوصاً افراد مسن. افراد سن بالا واکنش بیشتری نسبت به‌ت دارند و انگ و لگ‌گرد و بیکار به‌ت می‌زنند.

مشارکت‌کننده شماره ۹ می‌گوید: تو کشور ما متأسفانه یه جوری به‌ش نگاه می‌کنند. نسل قدیم این جوریه نسل جدید اینجوری نیست.

**عادی شدن خالکوبی در جامعه:** با گذشت زمان و تغییرات فرهنگی، خالکوبی در برخی جوامع به‌تدریج عادی‌تر می‌شود و دیگر به‌عنوان یک موضوع منفی درک نمی‌شود. این فرآیند می‌تواند تأثیرات مثبتی بر تعارضات اجتماعی داشته باشد. عادی شدن خالکوبی نشان‌دهنده یک تحول اجتماعی است که می‌تواند به کاهش تعارضات نسلی و اجتماعی کمک کند. این زیرمفهوم به‌کد محوری مرتبط است، زیرا نشان می‌دهد که چگونه تغییرات در نگرش‌های اجتماعی می‌تواند تعارضات را تعدیل کند. مشارکت‌کننده شماره ۴ می‌گوید: دوست دارم مردم خالکوبی‌ها مو ببینند. خواهرم اولین بار یک خال کشیده بود آنقدر معذب بودم که حتی به باشگاه هم نمی‌رفتم ولی الان که میرم کوهنوردی یا شنا با شلوارک میرم و واسم عادی شده.

مشارکت‌کننده شماره ۱۱ می‌گوید: به نظرم این طوری که میریم جلو این چیزا (خالکوبی) عادی میشه و محیط هم پا به پای اون عوض میشه.

**فضای فرهنگی و قومی مهاباد:** فضای فرهنگی و قومی شهر مهاباد که تحت تأثیر ارزش‌های فرهنگی و مذهبی قرار دارد، نقش مهمی در شکل‌گیری نگرش‌ها نسبت به خالکوبی دارد. این فضا می‌تواند تأثیرات مثبت یا منفی بر پذیرش خالکوبی داشته باشد. فضای فرهنگی و قومی مهاباد به‌عنوان یکی از عوامل اصلی در شکل‌گیری تعارضات نسلی و اجتماعی عمل می‌کند. این فضا می‌تواند باعث تقویت یا کاهش تعارضات شود، بسته به اینکه خالکوبی در این فرهنگ به‌عنوان یک نشانه مثبت یا منفی درک شود.

مشارکت‌کننده شماره ۷: طرح پشت بدنم که عقاب است، عقاب نماد کرد است.

مشارکت کننده شماره ۶: نوشتار کرمانجی: جواهر لعل نهرو که دخترش ۱۲ سال بود و خودش در زندان بود (دوست گاندی) عقاید چپ داشت و به دخترش میگه آزادی فرشته ایست و به زور محال است. واسه این به کرمانجی نوشتم چون مردم منطقه ما فقط سورانی بلدند و کرمانجی نمی تونن بخونن.

کد محوری «تعارضات نسلی و اجتماعی» به شکل گسترده‌ای با زیرمقولات مرتبط، نشان می‌دهد خالکوبی به مثابه پدیده‌ای فرهنگی - نمادین، در تقابل با ساختارهای اجتماعی و نسلی قرار می‌گیرد. این تعارضات، شامل نگرش منفی جامعه، تأثیر بر روابط اجتماعی، نگرانی از قضاوت‌ها، شکاف نسلی، فرآیند عادی‌سازی خالکوبی و بسترهای فرهنگی و قومی است. هر زیرمقوله به نحوی در شکل‌گیری این تعارضات نسلی و اجتماعی سهیم بوده و پیچیدگی و ابعاد گوناگون خالکوبی را در بافت جامعه نمایان می‌سازد.

### گزینش نمادهای چندلایه

خالکوبی، پدیده‌ای اجتماعی - فرهنگی، در میان جوانان اهمیتی ویژه یافته است. در بررسی معانی ضمنی آن، «گزینش نمادهای چندلایه» به عنوان محور اصلی مطرح می‌شود. این مقوله نه تنها درک عمیق‌تری از خالکوبی ارائه می‌دهد، بلکه دریچه‌ای به سوی فهم هویت، باورها و تجربیات این قشر می‌گشاید. گزینش نمادها بر اساس لایه‌های معنایی پیچیده و متنوع صورت می‌گیرد و خالکوبی را به زبانی نمادین برای ابراز خود و ارتباط با دیگران تبدیل می‌کند.

جدول ۴. جدول کدگذاری

کدگذاری محوری	کدگذاری ثانویه	کدگذاری اولیه
گزینش نمادهای چندلایه	نمادهای شخصی و عاطفی، نمادهای فلسفی و معنوی، نمادهای انتقادی و سیاسی، نمادهای طبیعی و جهانی، رمزگذاری اعتراضی	خالکوبی به عنوان نماد عشق، خالکوبی به عنوان نماد خانواده، خالکوبی به عنوان نماد مشترک در رابطه عاطفی، خالکوبی به عنوان نماد هویت قومی، خالکوبی به عنوان نماد مقاومت و آزادی، خالکوبی به عنوان نماد قدرت و سختی‌ها، دیدگاه انتقادی نسبت به جهان، نگرش سیاسی به آزادی و جامعه، نمادهای عناصر طبیعی و جهانی، خالکوبی به عنوان نماد آرامش و زیبایی.

**نمادهای شخصی و عاطفی:** این دسته از نمادها، بیانگر تجربیات فردی، خاطرات، روابط عاطفی و آرزوهای شخصی افراد هستند. خالکوبی نام یک عزیز، تاریخ تولد فرزند یا نمادی از یک تجربه دردناک، نمونه‌هایی از این دست هستند. این نمادها، در لایه سطحی، شخصی و منحصر به فرد به نظر می‌رسند، اما در لایه‌های عمیق‌تر، می‌توانند مفاهیمی چون تاب‌آوری، عشق، فقدان و یا حتی یادآوری یک تعهد عاطفی را به تصویر بکشند. این نمادها، با پیوند عمیق با تجربیات زیسته، به نشانه‌هایی جهانی از رنج، شادی و یا تعلق خاطر تبدیل می‌شوند.

مشارکت‌کننده شماره ۱۹: خالکوبی من روز آشنایی با یه نفر هستش و با اون ست هستیم به زبان یونانی؛ و یک تصمیم عاطفی بود.

مشارکت‌کننده شماره ۱۱: به خاطر عشق خانمی اون رو زدم و هنوز هم که هنوزه باهاش رابطه دارم. واگه به این اسم نگاه می‌کنم تصویری از اون خانم به ذهنم میاد و اگه دلم براش تنگ میشه به این خالکوبی نگاه می‌کنم و اونو به یادم میاره.

**نمادهای فلسفی و معنوی:** این نمادها به پرسش‌های وجودی، باورهای متافیزیکی و جستجوی معنا در زندگی اشاره دارند. مفاهیمی چون مرگ، جاودانگی، تقدیر و یا ارتباط انسان با جهان هستی در این دسته جای می‌گیرند. استفاده از نمادهایی مانند درخت زندگی، چرخ کارما، یا جملات فلسفی، نشان‌دهنده تلاش فرد برای معنابخشی به زندگی یا مواجهه با پرسش‌های بنیادین هستی است. این نمادها، از یک سو، فردی و مرتبط با باورهای شخصی هستند و از سوی دیگر، جهانی و ارجاع‌دهنده به مفاهیم فرافرهنگی و انسانی. به عنوان مثال:

شرکت‌کننده شماره یک می‌گوید: معنیش اینه که هیچ چیز ابدی نیست مثل خوشی و ناخوشی که ابدی نیستند یا انسان‌ها که می‌آیند و بعد میرن و همچنین اسم یه آهنگیه. شرکت‌کننده شماره ۳ که اسم خدا را خالکوبی کرده می‌گوید: به خاطر نجات دادنم که یک سال بعد از اون اتفاق زدم. من ۱۳ سال بودم که از طبقه پنجم افتادم و به چشم خودم دیدم که خدا منو به پدر مادرم بخشید و دوباره منو زنده کرد.

**نمادهای انتقادی و سیاسی:** خالکوبی‌های جوانان در مهاباد بازتابی از دغدغه‌های عمیق اجتماعی و سیاسی هستند. نمادهای به کاررفته، غالباً به هویت قومی کرد، تبعیض سیستماتیک و مقاومت در برابر محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی اشاره دارند. این نقوش، لایه‌های پنهانی از تروماهای تاریخی و امید به تغییر را در بر دارند و انتقاداتی را نسبت به ریاکاری سیاسی و نابرابری‌ها بیان می‌کنند. جوانان از این طریق،

با وجود خطرات احتمالی، صدای اعتراض خود را به گوش می‌رسانند. مشارکت‌کننده شماره ۲۰: یکیشون فرشته آزادی است که کله‌اش بریده شده است؛ و یکی از توهام ترازوی عدالت است که به هم مساوی نیستند. در دنیا از دموکراسی و آزادی حرف می‌زنند ولی پشت پرده چیز دیگری است.

مشارکت‌کننده ۱۸: چون این متن (زن، زندگی، آزادی) دوست دارم مردم اونو ببینند و یادشون بیاد. ما تو جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که هیچ آزادی نداریم. به دروغ میگن داریم. این آزادی، آزادی است که با ترس همراهه

**نمادهای طبیعی و جهانی:** در خالکوبی‌های مه‌آباد، نمادهای طبیعی و جهانی نمایانگر پیوند عمیق انسان با طبیعت و جهان هستند. این نقوش، اغلب فراتر از محدودیت‌های فرهنگی، مفاهیمی چون صلح، آزادی و احترام به محیط‌زیست را بازتاب می‌دهند. خالکوبی‌هایی از خورشید، ماه، کوه، یا حیوانات، علاوه بر جنبه‌های زیبایی‌شناختی، بیانگر ارتباط فرد با طبیعت و تلاش برای هماهنگی با جهان هستند. حتی خالکوبی حیوانات خانگی نیز، در پاسخ به محدودیت‌های فرهنگی، این پیوند عمیق و احساسات فردی را به تصویر می‌کشند و نشان می‌دهند جوانان چگونه از خالکوبی برای ابراز این ارتباط و جستجوی آرامش و زیبایی در جهان بهره می‌برند. مشارکت‌کننده شماره ۲: طرح من یک یادآوری است مثل سالروز به دنیا اومدنت... خورشید و ماه: ماه هم آرامش بخشه و هم زیباست.

مشارکت‌کننده ۲۲: حیوان خانگی: نمیداشتند حیوان خانگی نگه دارم منم اینو زدم. خالکوبی اعتراضی در مه‌آباد، استفاده از نمادها برای انتقال غیرمستقیم پیام‌های اعتراضی است. در جوامع با محدودیت آزادی بیان، این روش ابزاری قدرتمند برای بیان «زرزن» در پاسخ به منتقدان پوشش زنان، نمونه‌هایی از این رمزگذاری هستند. جوانان از این طریق، اعتراضات خود را به شکلی ایمن و خلاقانه بیان می‌کنند.

مشارکت‌کننده شماره ۱۶: «چون این متن (زن، زندگی، آزادی) دوست دارم مردم اونو ببینند و یادشون بیاد. ما تو جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که هیچ آزادی نداریم... منم حداقل دوست داشتم که این نوشته رو حداقل روی بدنم داشته باشم.»

مشارکت‌کننده شماره ۱۰: زرزن: به خاطر آخوندها اینو زدم. یه باریک ملا موقع عقدم بهم گفت که این متن چیه که زدی منم، بهش گفتم به تو ربط نداره من به تو میگم چرا اینجوری هستی.

در مجموع، بررسی خالکوبی‌ها در مهاباد نشان می‌دهد که این هنر بدنی به ابزاری چندلایه برای بیان هویت، اعتراض و امید تبدیل شده است. نمادهای انتقادی و سیاسی، طبیعی و جهانی و رمزگذاری اعتراضی، هر یک به نوعی دغدغه‌ها و آرزوهای جوانان این شهر را منعکس می‌کنند. خالکوبی، در این بافت، نه تنها یک هنر آرایشی، بلکه صدایی خاموش است.

### نیازهای روان‌شناختی

در این پژوهش، کد محوری «نیازهای روان‌شناختی» به عنوان مفهومی کلیدی، انگیزه‌ها و دلایل روانی گرایش جوانان به خالکوبی را بررسی می‌کند. خالکوبی نه صرفاً یک عمل فیزیکی، بلکه بازتابی از نیازهای عاطفی، روانی و هویتی است. این نیازها، شامل احساس وجود، ابراز و مدیریت عواطف، مواجهه با تجربیات زندگی و پذیرش خویشند. در واقع، خالکوبی ابزاری برای مدیریت روانی، بیان ناگفته‌ها و تحقق خود، در پاسخ به چالش‌های عاطفی، هویتی و اجتماعی به شمار می‌رود. ارتباط زیرمقولات با این کد محوری در ادامه شرح داده خواهد شد.

جدول ۵. جدول کدگذاری

کدگذاری اولیه	کدگذاری ثانویه	کدگذاری محوری
تأثیرات عاطفی و روانی بر خالکوبی، خالکوبی به عنوان روش درمانی و مدیریت بدن، ارتباط خالکوبی با خودزنی، خودشناسی و درون‌گرایی، خالکوبی به عنوان بیان درونیات، خالکوبی به عنوان حس درونی و ماندگار، تجربیات زندگی و رشد شخصی، خالکوبی به عنوان نماد تغییر شخصی، خالکوبی به منظور یادآوری خاطره	احساس ابراز وجود، بیان احساسات و عواطف، مدیریت احساسات منفی، تجربیات زندگی، پذیرش و تأیید خود	نیازهای روان‌شناختی

**احساس ابراز وجود:** احساس ابراز وجود، مفهومی است که بر نیاز به نمایش هویت فردی، استقلال و اثبات حضور در جامعه دلالت دارد. خالکوبی، به عنوان یک «بدن نوشتار»، می‌تواند ابزاری برای شکستن سکوت و ابراز وجود در فضایی باشد که جوانان در آن احساس نادیده گرفته شدن می‌کنند. از این رو، خالکوبی به جوانان امکان می‌دهد تا هویت فردی خود را بیان کرده و نیازهای روان‌شناختی خود را برآورده سازند.

مشارکت‌کننده شماره ۱۶: «معمولاً کسانی که خالکوبی می‌کنند سعی می‌کنند جواری اون رو بزنند که کسی ازش متوجه نباشه، مثل من، میتونستم به زبان فارسی یا حتی انگلیسی اون رو حک کنم ولی کاری کردم که همه افراد از اون متوجه نشن.»

مشارکت‌کننده شماره ۷: «مردم با ظاهر و خالکوبی و طرز لباس پوشیدنت قضاوتت می‌کنن... منم یه فرش ته و نگهبان می‌تراست و اینو خودم طراحی کردم.»

**بیان احساسات و عواطف:** خالکوبی در میان جوانان، ابزاری غیرکلامی برای بیان احساسات و عواطف عمیق است. این پدیده، راهی برای بروز هیجانات سرکوب‌شده و تجربه‌های عاطفی دشوار، مانند عشق، اندوه، یا خشم، ارائه می‌دهد. طرح‌ها و نقوش خالکوبی شده می‌توانند نمادی از دل‌بستگی‌ها، فقدان‌ها و یا دردهای درونی باشند که بیان آن‌ها از طریق کلام میسر نیست.

مشارکت‌کننده شماره ۱۵: ۴۵۰ یعنی با نشانه این شماره باید طرف مقابلو بزنی. قدرت یه گلوله ست که ساخت آمریکاست و به این معنی واسم که با سرعت این گلوله به اونی که ازش متنفری بزنی و نابود میشه.

مشارکت‌کننده شماره ۱۸: من خیلی وقتا حس خودمو با تتو نشون میدم و اون چیزهایی که دوست ندارم از یادم برن رو اونجا (بدنم) حک می‌کنم؛ و حسی که بهم دست می‌ده هم قدرت و هم آرامش بهم می‌ده و پشیمان هم نیستم. به تتو علاقه دارم و برام یک چیز خاص و متفاوته.

مشارکت‌کننده شماره ۱۰: یک تتوی دیگه که یک گل با یک دختری ستش کردم و او رفت منم رفتم اما هیچ وقت فراموشش نمی‌کنم.

**مدیریت احساسات منفی:** از دیدگاه شرکت‌کنندگان، خالکوبی گاهی ابزاری برای مدیریت احساسات منفی است. این عمل می‌تواند پاسخی به اضطراب، افسردگی، تنهایی یا تروماهای روانی باشد، به این صورت که رنج به نماد تبدیل می‌شود. خالکوبی برای برخی افراد راهبردی برای بازتفسیر رنج است؛ به‌عنوان مثال، ثبت یک تاریخ خاص به‌عنوان پایان دوره‌ای دشوار یا استفاده از نمادهایی برای نمایش تاب‌آوری. در این راستا، خالکوبی می‌تواند به‌عنوان یک فعالیت درمانی یا روشی برای کاهش احساسات منفی عمل کند.

مشارکت‌کننده شماره ۱۹: سعی می‌کنم در همه حالت خوب باشم این چسب هم به معنای اینه که اینجام زخمه ولی من هنوز حالم خوبه.

مشارکت‌کننده شماره ۲۱: در سن نوجوانی که بودم آگه ناراحت می‌شدم حتماً باید کاری می‌کردم. نمیدونم چی بگم شاید یکی از این دلایل بی‌محبتی خانواده باشه.

مشارکت‌کننده ۱۳: احساس می‌کنم بدنم یک زندان است در این زندان گیر کردم و خودزنی روی دیوار خودم می‌کنم و کاری به دیوار کسی ندارم.

**مدیریت تجربیات زندگی:** بعضاً نیاز به معنابخشی به رویدادهای مهم زندگی، حفظ خاطرات، یا ایجاد دگرگونی در مسیر شخصی انگیزه‌ای در بین جوانان برای خالکوبی بوده است. در چنین وضعیتی، خالکوبی به‌عنوان «سنگ قبری سیال» بر بدن، تجربه‌هایی مانند مهاجرت، ازدواج، فارغ‌التحصیلی، یا مواجهه با مرگ را جاودانه می‌کند. برای مثال، خالکوبی مختصات جغرافیایی مهاباد توسط فردی که از زادگاهش دور افتاده است، می‌تواند به‌عنوان یک روش برای ثبت و مدیریت تجربیات زندگی استفاده شود. افراد ممکن است از خالکوبی برای یادآوری لحظات مهم، رویدادهای تأثیرگذار یا حتی درس‌هایی که از زندگی گرفته‌اند، استفاده کنند.

مشارکت‌کننده شماره ۹: با خودم گفتم اگه شدم ۱۸ سال باید فرداش یک خالکوبی داشته باشم چون گذشته سختی داشتم و بارها بلند شدم و به خودم امید دادم. این تئو به معنی آموختم، رنج کشیدم، تغییر کردم. الان من هر بار به این نگاه می‌کنم میگم و یه درد و مشکلی داشته باشم، میگم بی‌خیال اینم یه تجربه ست و به تجربه‌هام اضافه شد و چیزهایی در موردش یاد گرفتم. مشارکت‌کننده ۱۶: یکیشون حدود یک ماه براش فکر کردم و با توجه به سختی‌هایی که من کشیدم و راهای سختی که تجربه کردم. با خودم فکر کردم که این متن او مد تو ذهنم (ساخته شده از سنگ‌های خرد شده) که به معنای قوی بودن و اینکه از سنگ ساخته شدم. **پذیرش و تأیید خود:** این مفهوم دلالت بر نیاز به خودآشتی، مقابله با کمبود اعتمادبه‌نفس، یا پذیرش بدن در برابر استانداردهای زیبایی‌محیلی دارد. خالکوبی برای برخی جوانان، راهی برای تصاحب بدن خود است؛ به‌ویژه در جامعه‌ای که بدن زنان یا گروه‌های خاص ممکن است تحت کنترل گفتمان‌های سنتی یا سیاسی باشد. مثلاً خالکوبی جملات تأکیدی مانند «من هستم» یا نمادهایی که نقص‌های جسمی را پوشش می‌دهند. خالکوبی می‌تواند به افراد کمک کند تا خود را بیشتر بپذیرند و به ارزش‌های شخصی خود اعتقاد پیدا کنند. این فرآیند می‌تواند به افزایش اعتمادبه‌نفس و احساس تأیید داخلی منجر شود.

مشارکت‌کننده شماره ۲۱: یکیشون هم خودمم و خیلی شبیه خودم بود و اون موقع خیلی بهش علاقه داشتم، صورتمو میپوشوندم دوست نداشتم کسی منو ببینه و هی خودمو قائم می‌کردم، اون موقع اعتمادبه‌نفسم خیلی پایین بود. حس می‌کنم اون موقع خودم بود؛ واسه این اینو زدم که اون موقع همیشه خودمو قائم می‌کردم. مشارکت‌کننده شماره ۱۸: سیمپسون: چطوری بگم، درواقع عکسی از خودمه

## سازه‌های بازدارنده

در این پژوهش، «سازه‌های بازدارنده» به‌عنوان یک مفهوم کلیدی، موانع و محدودیت‌هایی را بررسی می‌کند که جوانان را از خالکوبی منصرف ساخته یا منجر به تنش و پشیمانی پس از آن می‌شود. این سازه‌ها، ریشه در ترس‌ها، هنجارهای اجتماعی، باورهای مذهبی و دغدغه‌های فردی دارند و نمایانگر تعامل بین تمایل به خودابرازی از طریق خالکوبی و فشارهای ساختاری محدودکننده هستند. عوامل بازدارنده شامل پشیمانی، نگرانی‌های آتی، چالش‌های اجتماعی و مذهبی مرتبط با خالکوبی می‌باشند. در ادامه، ارتباط هر یک از زیرمقولات مرتبط با این مفهوم محوری توضیح داده می‌شود:

جدول ۶. جدول کدگذاری

کدگذاری اولیه	کدگذاری ثانویه	کدگذاری محوری
پشیمانی از خالکوبی‌ها، نگرانی درباره آینده (پیر شدن، خانواده، ازدواج)، نگرش فلسفی به بدن، نگرش منفی جامعه، تأثیر خالکوبی بر قضاوت دیگران، حرام بودن خالکوبی از بعد دینی، انگ خوردن منفی	پشیمانی از خالکوبی، نگرانی‌های آینده، چالش‌های اجتماعی، چالش‌های مذهبی	سازه‌های بازدارنده

**پشیمانی از خالکوبی:** پشیمانی از خالکوبی به احساس ندامت پس از انجام آن، به دلیل تغییر نگرش فردی، پیامدهای منفی اجتماعی، یا عدم تناسب طرح با هویت کنونی فرد اطلاق می‌شود. این پدیده نشان می‌دهد که خالکوبی، برخلاف تصور ماندگاری، ممکن است به منبع تعارض درونی تبدیل شود. تغییر ارزش‌ها، فشارهای اجتماعی و خانوادگی، یا عدم رضایت از طرح و محل خالکوبی، از جمله دلایل شایع این پشیمانی هستند.

شرکت‌کننده شماره یک می‌گوید: در سن کمی خالکوبی کردم و تو جو بودم، از همشون پشیمونم به‌غیر از یکیشون.

شرکت‌کننده شماره دو می‌گوید: انسان آگه سنش کم بود بعضی چیزا اصلاً واست مهم نیست ولی آگه بزرگ شدی واست مهم میشه. اون موقع بچه بودم آدم آگه آگاهی داشته باشه هیچ وقت این کارو نمیکنه چون خونت هم کثیف میشه.

شرکت‌کننده شماره سه می‌گوید: پشیمانم از خالکوبیهام مثلاً آگه بخوام گواهی‌نامه بگیرم نمیتونم بگیرم. به خودم قول دادم که دیگه خالکوبی نزنم.

**نگرانی‌های آینده:** نگرانی‌های مربوط به آینده خالکوبی، به‌ویژه در بافت‌هایی

مانند مهاباد، ناشی از ترس از پیامدهای بلندمدت آن است. این نگرانی‌ها شامل تأثیر خالکوبی بر فرصت‌های شغلی (به‌ویژه با توجه به هنجارهای محافظه‌کارانه و محدودیت‌های بازار کار)، ازدواج، سلامت جسمی (مانند حساسیت‌های پوستی) و تغییر سلیقه در طول زمان می‌شود. جوانان ممکن است به دلیل ملاحظات شغلی و اجتماعی، از انجام خالکوبی در نواحی قابل مشاهده خودداری کنند، زیرا پیامدهای آتی آن بر زندگی حرفه‌ای، اجتماعی و شخصی ایشان قابل توجه است.

مشارکت‌کننده شماره ۱۰ می‌گوید: «نه دوست ندارم مردم اونو ببینند فقط یک هفته دوست داری مردم ببیننش ولی تا سنت میره بالا عوض میشه چون مردم یه جور دیگه بهت نگاه می‌کنند و بهت میگن لا اوبالی.»

مشارکت‌کننده شماره ۸: «یکی دو مورد داشتم [در امر ازدواج] که بهم گفته باید پاکش کنم، پاکش کنم بدنم ناقص میشه دوست ندارم به بدنم آسیب وارد کنم.»

**چالش‌های اجتماعی:** چالش‌های اجتماعی ناشی از فشارهای جامعه، نظیر طردشدگی و برچسب‌زنی، به‌ویژه در جوامع سنتی پررنگ‌تر هستند. در مهاباد، با توجه به اهمیت هویت قومی و ساختارهای سنتی، خالکوبی ممکن است رفتاری غیرمتعارف تلقی شده و منجر به اجتناب جوانان از آن، به دلیل ترس از تحقیر یا کاهش فرصت‌های ازدواج شود. این امر می‌تواند قضاوت‌های منفی و تبعیض اجتماعی را در پی داشته باشد.

مشارکت‌کننده شماره ۴ می‌گوید: چون بدنم خالکوبی دارد برخی از اقوام ما، با خانواده ما رفت‌وآمد نمی‌کنند. حتی پدرم را سرزنش می‌کنند که چرا پسرت را کنترل نمی‌کنی.

مشارکت‌کننده شماره ۱۷: همیشه بر انجام کارهای اداری با ترس و دلهره می‌رم چون در جامعه ما هنوز افرادی که خالکوبی می‌کنند را با دید منفی نگاه می‌کنند.

**چالش‌های مذهبی:** در جوامع مذهبی، خالکوبی اغلب با چالش‌هایی روبرو است، زیرا ممکن است با آموزه‌های دینی مغایرت داشته و از سوی نهادهای مذهبی منع شود. در جامعه‌ای مانند مهاباد که باورهای مذهبی (به‌ویژه اسلام) در هویت جمعی ریشه دارد، تفسیرهای سنتی خالکوبی را حرام می‌دانند. این مسئله برای جوانانی که به دنبال تعادل بین پایبندی به دین و بیان هویت مدرن خود هستند، تعارض و بازدارندگی ایجاد می‌کند و نشان می‌دهد که چالش‌های مذهبی همواره به‌عنوان یک عامل بازدارنده در برابر خالکوبی عمل کرده و یا پس از انجام آن، منجر به تعارضات معنوی و دینی می‌شود.

مشارکت‌کننده شماره ۵ می‌گوید: «خانواده ما خانواده مذهبی و اهل نماز و اسلام بودند و تتو توش حرامه.»

مشارکت‌کننده شماره ۲۳: جامعه ما به کسانی که تتو دارند به چشم گناهکار نگاه می‌کنن. حتی می‌گویند کسی که تتو زده، غسل‌اش کامل نیست و بدنش پاک نیست. درنهایت می‌توان گفت، این سازه‌ها نه تنها بر تصمیم‌گیری برای خالکوبی تأثیر می‌گذارند، بلکه بر تجربه پس‌از آن نیز سایه می‌اندازند. برای مثال، حتی اگر فردی بر تمام موانع غلبه کند و خالکوبی انجام دهد، ممکن است به دلیل حضور فعال این سازه‌ها در جامعه (مثل نگاه‌های قضاوت‌گر)، همواره با احساس دوگانگی زندگی کند.

### سازه‌های تسهیل‌کننده

مفهوم «سازه‌های تسهیل‌کننده» به عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به خالکوبی اشاره دارد. این سازه‌ها، با تعامل در بافت اجتماعی، فرهنگی و فناورانه، خالکوبی را به پدیده‌ای چندبعدی در تقاطع هنر، هویت، مقاومت و فناوری تبدیل می‌کنند. عواملی چون نفوذ شبکه‌های اجتماعی، تقویت حس عاملیت، شکل‌گیری فرهنگ بصری زیرزمینی، هنری شدن خالکوبی و تجربه حسی- جسمانی، در جذاب‌تر، پذیرفته‌تر و قابل‌دسترس‌تر نمودن خالکوبی نقش دارند و ابعاد مختلف این تسهیلگری را آشکار می‌سازند.

جدول ۷. جدول کدگذاری

کدگذاری اولیه	کدگذاری ثانویه	کدگذاری محوری
بادگیری خالکوبی از دنیای مجازی، جذاب بودن رمزگذاری‌های خالکوبی، نمادپردازی و معانی شخصی، داشتن سوبیه‌های هنری، داشتن تجربه حسی و جسمانی منحصر به فرد، خالکوبی به عنوان حس درونی و ماندگار، لذت بردن از درد خالکوبی، تغییر نگرش نسبت به نمایش خالکوبی، پنهان‌سازی خالکوبی	نفوذ شبکه‌های اجتماعی، تقویت حس عاملیت، شکل‌گیری فرهنگ بصری زیرزمینی، هنری شدن خالکوبی، تجربه حسی و جسمانی	سازه‌های تسهیل‌کننده

**نفوذ شبکه‌های اجتماعی:** نفوذ شبکه‌های اجتماعی در ترویج خالکوبی از طریق معرفی الگوهای جهانی، آموزش تکنیک‌ها و ایجاد شبکه‌های تبادل ایده قابل توجه است. این پلتفرم‌ها با شکستن مرزهای جغرافیایی، جوانان را با سبک‌های متنوع خالکوبی آشنا کرده و با نمایش آن به عنوان پدیده‌ای عادی در جوامع دیگر، تابوی اجتماعی آن را در بافت محلی تضعیف می‌کنند. شبکه‌های اجتماعی با فراهم آوردن امکان مشاهده، کشف الگوهای جدید و به اشتراک‌گذاری خالکوبی‌ها، نقش مهمی در ترویج این پدیده ایفا می‌کنند.

شرکت‌کننده شماره یک می‌گوید: طرح‌ها مو توگوگل پیدا کردم و اون چیزهایی که در نظر داشتم رو سرچ کردم و تونستم طرحمو پیدا کنم و اون چیزی که در مورد خودمه البته بعضی چیزهارو که به من مربوط نمیشد حذف کردم.

شرکت‌کننده شماره دو می‌گوید: در اینترنت گشتم و بیشتر پرینترس و بعض وقتا هم اینستاگرام خیلی گشتم تا این طرحهارو پیدا کردم.

شرکت‌کننده شماره سه می‌گوید: توی پرینترس خیلی گشتم، از بین فونت‌ها اینو انتخاب کردم (فونت چینی)، بعد اومدم خودم دستکاریش کردم.

تقویت حس عاملیت: خالکوبی به‌عنوان ابزاری برای تقویت حس عاملیت، به افراد امکان می‌دهد تا کنترل بدن و هویت خود را در برابر محدودیت‌های خانوادگی، اجتماعی و سیاسی بازپس گیرند. این عمل، با ایجاد حس مالکیت بر تصمیمات شخصی، انگیزه انتخاب خالکوبی به‌عنوان بخشی از هویت فردی را افزایش می‌دهد و بی‌اعتنایی به قضاوت دیگران و تمرکز بر دیدگاه شخصی را تقویت می‌کند.

شرکت‌کننده شماره یک می‌گوید: انسان بالدار که پشت بدنمو فرا گرفته یعنی هر انسانی فقط خودش میتونه به خودش کمک کنه و ارتقا پیدا کنه.

مصاحبه‌کننده شماره دو می‌گوید: نوعی سرکشی خودم رو تو خونه و موقعیت‌های دیگه نشان میدم. و از طرفی هم می‌خواستم مستقل بودن خودم رو نشون بدم.

شکل‌گیری فرهنگ بصری زیرزمینی: شکل‌گیری فرهنگ بصری زیرزمینی پدیده‌ای رو به رشد است که در آن فضاها غیررسمی، از جمله گالری‌های پنهان و محافل هنری مستقل، به بازتعریف خالکوبی به‌عنوان یک‌زبان بصری خاص می‌پردازند. این شبکه‌های زیرزمینی تتو، به‌عنوان پاسخی مستقیم به سانسور یا محدودیت‌های رسمی، به‌راحتی در دسترس افرادی هستند که قصد تتو کردن دارند.

شرکت‌کننده شماره ۱۷ می‌گوید: «معمولاً کسانی که خالکوبی می‌کنند سعی می‌کنند جووری اون رو بزنند که کسی ازش متوجه نباشه، مثل من، میتونستم به زبان فارسی یا حتی انگلیسی اون رو حک کنم ولی کاری کردم که همه افراد از اون متوجه نشن.»

مشارکت‌کننده شماره ۱ می‌گوید: ۵ سال پیش برای زدن یک تتو باید کلی می‌گشتی تا به نفر تتوکار ماهر پیدا می‌کرد. ولی الان هم تتوکار زیاد شده و هم طراح و مشاور و ترمیم و کلی شغل کنارش درست شده که اینها به صورت زیرزمینی یک گروه را تشکیل می‌دن.

**هنری شدن خالکوبی:** هنری شدن خالکوبی به‌وضوح تأثیرات عمیقی بر نحوه نگرش جامعه به این فرم هنری دارد. تحول از یک عمل ناهنجار به یک رسانه هنری

مقبول، به‌ویژه در سال‌های اخیر، نشان‌دهنده اهمیت خلاقیت، زیبایی‌شناسی و بیان مفهومی در این هنر است. اکنون، خالکوبی نه‌تنها به‌عنوان یک ابزار ابراز هویت، بلکه به‌عنوان شکلی از هنر مورد احترام و تحسین قرار می‌گیرد. این تغییر رویکرد، فرصتی برای افراد فراهم آورده تا خالکوبی را نه فقط به‌عنوان نماد، بلکه به‌عنوان بخشی از هویت هنری خود انتخاب کنند و آن را در تقاطع هنرهای تجسمی و طراحی گرافیک و شاعرانگی تجربه کنند.

شرکت‌کننده شماره یک می‌گوید: خالکوبی‌های من برام حکم یک تابلوی هنری را دارد که هرچند من آن‌ها را نزده‌ام ولی سلیقه هنری من را بیان می‌کند. شرکت‌کننده شماره دو می‌گوید: گاهی در جمعی از دوستان می‌نشیم و بقیه در مورد سبک و انتخاب و سلیقه خالکوبی من نظر می‌دن و من احساس خوبی بهم دست می‌ده، انگار من خالق یک اثر شدم.

**تجربه حسی و جسمانی:** تجربه حسی و جسمانی ناشی از خالکوبی به‌عنوان یک روند منحصربه‌فرد، به افراد این امکان را می‌دهد که با پذیرفتن درد ناشی از سوزن، در نهایت لذت مشاهده یک اثر هنری کامل بر روی بدن خود را تجربه کنند. این فرایند نه‌تنها به آنان حس مالکیت بر بدن خود را القا می‌کند، بلکه می‌تواند به‌عنوان یک تجربه درمانی یا لذت‌بخش تلقی شود. برای بسیاری از جوانان، این درد می‌تواند به‌عنوان نمادی از تاب‌آوری یا گذار از مراحل مختلف زندگی مورد پذیرش قرار گیرد. از این رو، تجربه حسی و جسمانی در فرایند خالکوبی، می‌تواند عاملی تشویق‌کننده برای جوانان باشد و این هنر را به یک تشریفات تنانه تبدیل کند که در آن، درد و لذت درهم تنیده می‌شود و معنای خاصی می‌یابد.

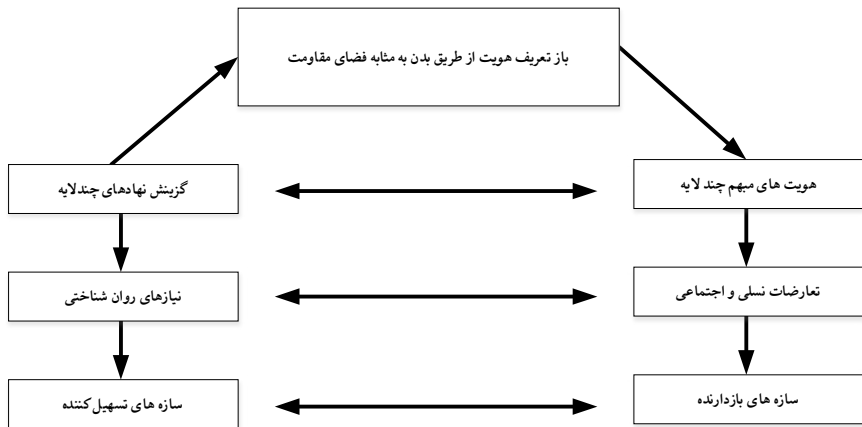
شرکت‌کننده شماره یک می‌گوید: من حداقل باید هفته‌ای یک نقطه به خودم بزنم تا دردشو تجربه کنم. درد تتو رو دوست دارم.

شرکت‌کننده شماره دو می‌گوید: تو جامعه ما درد همیشه وجود داشته و انسان‌ها ازش می‌ترسند ولی من انسانی‌ام که با درد کیف می‌کنم.

همچنان که یافته‌های نشان می‌دهد، این پژوهش با بررسی عمیق در پویایی‌های اجتماعی و فرهنگی شهر مهاباد، به درک جامعی از چگونگی بازتعریف هویت توسط جوانان از طریق بدن، به‌ویژه با استفاده از خالکوبی، دست یافته است. مفهوم محوری این تحقیق، «بازتعریف هویت از طریق بدن به‌مثابه فضای مقاومت»، نشان می‌دهد که در شرایط پیچیده کنونی، بدن به‌عنوان عرصه‌ای نمادین برای بیان هویت‌های چندلایه،

مقابله با تعارضات و پاسخ به نیازهای روانی-اجتماعی جوانان عمل می‌کند. این مفهوم مرکزی، در تقاطع شش مقوله اصلی قرار دارد که هر یک به‌نوبه خود بخشی از این پویایی را تبیین می‌نمایند.

در جامعه‌ای که جوانان با تضادهای هویتی ناشی از تقابل سنت و مدرنیته، فشارهای قومی-مذهبی و جهانی‌سازی مواجه هستند، منابع هویت سنتی دیگر به‌تنهایی پاسخگوی نیازهای چندلایه آنان نیستند. این سردرگمی و عدم قطعیت که ناشی از نپذیرفتن الگوهای پیشین و جستجوی معنا در چارچوب‌های نوین است، جوانان را به سمت بازتعریف هویت از طریق روش‌های نامتعارف سوق می‌دهد که خالکوبی یکی از آنهاست. بدن در این فرآیند، به‌مثابه «متن بازاندیشی شده» عمل می‌کند؛ فضایی شخصی و مقاومتی که از طریق نمادپردازی‌های چندلایه (عاطفی، سیاسی، هنری) امکان بیان هویت سیال، خودساخته و گاه مغایر با گفتمان‌های مسلط را فراهم می‌سازد. این بازتعریف مبتنی بر بدن، نه‌تنها بازتاب‌دهنده فردیت مدرن است، بلکه پاسخی به بحران تعلق در جامعه‌ای است که هویت‌های جمعی پیشین را به حاشیه رانده است.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق

فرایند گردآوری و تحلیل داده‌ها نشان داد که خالکوبی در میان جوانان شهرستان مهاباد، صرفاً یک کنش زیبایی‌شناختی یا زینتی نیست، بلکه به‌مثابه پدیده‌ای چندلایه، حامل معانی متنوع فردی، اجتماعی و فرهنگی است. در نخستین مراحل کدگذاری باز، داده‌ها بیش از هر چیز بر ابعاد ظاهری خالکوبی و جذابیت‌های ناشی از آن تأکید داشتند؛ اما با پیشرفت تحلیل مشخص شد که این انتخاب، در لایه‌ای عمیق‌تر،

ابزاری برای ابراز وجود، بیان شخصیت و بازنمایی هویت فردی است. بر همین اساس، نخستین مقوله اصلی تحت عنوان «هویت مبهم و چندلایه» استخراج گردید. تحلیل‌های بعدی نشان داد که این پدیده به‌طور جدی درگیر ساختارهای اجتماعی و نسلی است. جوانان از برجسب‌های منفی جامعه، نگرانی از قضاوت دیگران و شکاف میان نگرش نسل قدیم و جدید سخن گفتند. هم‌زمان، برخی نیز به روند عادی‌شدن تدریجی خالکوبی در جامعه اشاره داشتند. مجموعه این داده‌ها، مقوله دوم یعنی «تعارضات نسلی و اجتماعی» را شکل داد. با تمرکز بیشتر بر محتوای طرح‌ها و نمادها، مشخص شد که خالکوبی‌ها حامل لایه‌های معنایی متنوعی هستند؛ از نمادهای شخصی و عاطفی گرفته تا مضامین فلسفی، سیاسی، قومی و اعتراضی. این ابعاد، مقوله سوم یعنی «گزینش نمادهای چندلایه» را پدید آورد.

از سوی دیگر، داده‌ها نشان دادند که خالکوبی واجد کارکردهای روان‌شناختی قابل توجهی است. جوانان آن را وسیله‌ای برای مدیریت احساسات منفی، ثبت تجربیات زندگی، بیان درونیات و حتی جایگزینی برای خودزنی معرفی کردند. این یافته‌ها در قالب مقوله چهارم با عنوان «نیازهای روان‌شناختی» صورت‌بندی شد.

در ادامه، عوامل بازدارنده نیز به‌طور برجسته در داده‌ها ظاهر شدند؛ عواملی چون پشیمانی از خالکوبی، نگرانی درباره آینده، محدودیت‌های اجتماعی و انگ‌زنی‌های مذهبی. این ابعاد، در قالب مقوله پنجم با عنوان «سازه‌های بازدارنده» دسته‌بندی گردید. با وجود این محدودیت‌ها، عواملی وجود داشت که به گسترش خالکوبی کمک می‌کرد؛ از جمله نفوذ شبکه‌های اجتماعی، تقویت حس عاملیت، گسترش فرهنگ بصری زیرزمینی، هنری‌شدن خالکوبی و تجربه حسی - جسمانی ناشی از آن. این داده‌ها در مقوله ششم یعنی «سازه‌های تسهیل‌کننده» جای گرفتند.

درنهایت، ترکیب این شش مقوله اصلی نشان داد که خالکوبی در بافت اجتماعی فرهنگی مهاباد صرفاً یک کنش فردی یا زیبایی‌شناختی نیست، بلکه به‌عنوان ابزاری برای بازتعریف هویت از طریق بدن به‌مثابه فضای مقاومت عمل می‌کند. بدن در این چارچوب، به متنی اجتماعی تبدیل می‌شود که جوانان از طریق آن هویت‌های چندلایه خود را بازنمایی کرده، با تعارضات نسلی و اجتماعی مواجه می‌شوند و به نیازهای روانی و وجودی خویش پاسخ می‌دهند.

## نتیجه‌گیری

پدیده خالکوبی، به‌عنوان یک رفتار اجتماعی و فرهنگی رو به رشد در بین جوانان، توجه محققان را به خود جلب کرده است. این پژوهش، با عنوان «دلالت‌های معنایی پدیده خالکوبی در بین جوانان شهر مهاباد»، با رویکردی کیفی و روش نظریه داده‌بنیاد به بررسی این پدیده در بافت فرهنگی اجتماعی این شهر پرداخته است. هدف اصلی، کشف انگیزه‌ها و دلایل ناآشکار جوانان برای خالکوبی و چگونگی تفسیر و تعریف آنان از این پدیده بوده است.

نتایج حاصل از مصاحبه‌های عمیق با جوانان، شش مقوله محوری را شناسایی کرد: هویت‌های مبهم و چندلایه، تعارضات نسلی و اجتماعی، نیازهای روان‌شناختی، گزینش نمادهای چندلایه، سازه‌های بازدارنده و تسهیل‌کننده. درنهایت، مفهوم هسته‌ای «بازتعریف هویت از طریق بدن به‌مثابه فضای مقاومت» استخراج گردید. این مفهوم، پویایی‌های معناسازی جوانان از خالکوبی را در تعامل با عوامل فردی، فرهنگی و اجتماعی تبیین می‌کند.

این پژوهش با تولید یک مدل نظری اصیل و ریشه‌دار، به درک عمیق‌تری از انگیزه‌های جوانان در گرایش به خالکوبی کمک می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهند که خالکوبی فراتر از یک مد یا تزئین بدن، ابزاری برای بازتعریف هویت، بیان اعتراض و مقاومت در برابر هنجارهای اجتماعی است. این پژوهش ضمن ارائه پیشنهادهایی برای مطالعات آتی، بر اهمیت نظریه تولیدشده در پاسخ به سؤال پژوهش و غنا بخشیدن به دانش موجود در این حوزه تأکید می‌ورزد.

پژوهش نشان می‌دهد که پدیده خالکوبی در بین جوانان مهابادی، نه صرفاً یک عمل زیبایی‌شناختی، بلکه ابزاری نمادین برای بازتعریف هویت در تقابل با ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مسلط است. در این جامعه که جوانان در تقاطع هویت‌های محلی قومی (کردی)، ملی مذهبی (ایرانی-اسلامی) و مدرن (جهانی شده) قرار دارند، خالکوبی با گزینش نمادهای چندلایه، پاسخی به ابهامات هویتی محسوب می‌شود. این نمادها هم‌زمان فردیت و تعلق جمعی را بازتاب داده و بدن را به فضایی برای بیان هویت‌های مغفول تبدیل می‌کنند.

نتایج این پژوهش حاکی از آن است که جستجوی معنا و هویت اصلی‌ترین انگیزه جوانان برای خالکوبی است، هویتی چندلایه و چندبعدی. انواع نقوش خالکوبی‌ها را می‌توان در چند دسته اصلی طبقه‌بندی نمود: نمادهای هویت قومی، اعتراضی،

عاشقانه، فلسفی و هنری، این تنوع نشان‌دهنده تکثر اندیشه‌ها و گفتمان‌های هویتی در میان نوجوانان و جوانان مهاباد است.

اگرچه هویت‌یابی پارادایم مسلط در تبیین خالکوبی در این منطقه است، اما تحلیل این پدیده در قالب «مثلث هویت اعتراض جامعه‌پذیری» جامع‌تر خواهد بود. بدن به صحنه‌ای برای مدیریت تضاد بین خود واقعی و خود اجتماعی تبدیل می‌شود، به‌ویژه در شرایط خاصی همچون اقلیت‌های قومی تحت فشار.

درحالی‌که هویت‌یابی عاملی محوری است، نمی‌توان از نقش سازه‌های بازدارنده (نگاه منفی جامعه، فشار مذهبی) و سازه‌های تسهیل‌کننده (نفوذ شبکه‌های اجتماعی، فرهنگ زیرزمینی) در شکل‌گیری این تصمیم غافل شد. علاوه بر این، نیازهای روان‌شناختی، مانند ابزار وجود و مدیریت احساسات منفی، نقش مهمی در هدایت مسیر بازتعریف هویت ایفا می‌کنند. درنهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که خالکوبی در مهاباد، فرایندی پیچیده و چندوجهی است که ابعاد هویتی، اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی را در برمی‌گیرد.

این پژوهش نشان می‌دهند که جوانان در توصیف تصاویر خالکوبی‌شده بر بدن خود، رویکردهای متفاوتی را اتخاذ می‌کنند. این توصیفات را می‌توان در چند دسته اصلی جای داد: بدن به مثابه «بوم نقاشی هویت»، جایی که ارزش‌ها، باورها و تعلقات فرهنگی بر آن نقش می‌بندد؛ بدن به عنوان «اعلامیه شخصی» و «دفترچه خاطرات تصویری»، بستری برای بیان احساسات، دیدگاه‌ها و تجربیات فردی؛ بدن به مثابه «میدان مقاومت»، ابزاری برای اعتراض به هنجارهای اجتماعی و سیاسی؛ بدن به عنوان «اثر هنری»، متمرکز بر زیبایی‌شناسی و جنبه‌های بصری؛ و درنهایت، بدن به مثابه «یادگار ماندگار»، نمادی از خاطرات، روابط و هویت‌های اجتماعی.

مفهوم محوری در تمامی این توصیفات، «عاملیت فردی» است. جوانان با خالکوبی، تلاش می‌کنند تا بر بدن خود مسلط شده و آن را به ابزاری برای بیان «خود» تبدیل کنند. علاوه بر این، مفهوم «هویت سیال» نیز در این توصیفات مشهود است؛ خالکوبی‌ها به عنوان نشانه‌هایی از تغییرات درونی، تجربیات زندگی و تحولات هویتی فرد عمل می‌کنند. باین حال، باید توجه داشت که توصیفات جوانان از خالکوبی‌های خود، همواره یکپارچه نیست و یک خالکوبی واحد می‌تواند معانی چندگانه‌ای داشته باشد و به‌طور هم‌زمان به عنوان بیان هویت، ابزار مقاومت و اثر هنری عمل کند. نظریه «بازتعریف هویت از طریق بدن به مثابه فضای مقاومت»، چارچوبی مناسب

برای درک پدیده خالکوبی در میان جوانان شهرستان مهاباد فراهم می‌آورد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که خالکوبی در این منطقه صرفاً یک پدیده تقلیدی یا مدگرایانه نیست، بلکه کنشی معنادار و ریشه در مسائل هویتی، اجتماعی و فرهنگی دارد. جوانان مهابادی با نقش‌زدن خالکوبی بر بدن خود، علاوه بر بازتعریف هویت، به‌نوعی در برابر هنجارها و ساختارهای قدرتی که آن‌ها را محدود می‌کنند، مقاومت می‌ورزند. این مقاومت می‌تواند در قالب بیان تعلقات قومی و فرهنگی (همسو با یافته‌های اشتیری مهرجردی و همکاران، ۱۴۰۲) و یا اعتراض به محدودیت‌های مذهبی و ساختارهای سیاسی (تأیید یافته‌های ایدی امین، ۱۴۰۱ و مهدوی، ۱۴۰۱) تجلی یابد. در جامعه‌ای که نهادهای رسمی با خالکوبی مخالفت می‌کنند، اقدام به این عمل، خود نوعی مقاومت در برابر هنجارهای مسلط محسوب می‌شود. از این منظر، بدن به عرصه‌ای برای بازپس‌گیری کنترل و اعمال قدرت فردی تبدیل می‌شود، به‌ویژه در شرایطی که جوانان احساس ناتوانی در تصمیم‌گیری برای زندگی خود دارند. این دیدگاه با نظریه فوکو (۱۹۷۷) همخوانی دارد که بدن را نه صرفاً یک ابژه زیستی، بلکه فضایی برای اعمال قدرت و مقاومت می‌داند. در مهاباد، جوانان از طریق نقش‌زدن نمادهای قومی، زبانی و اعتراضی بر بدن خود، به‌نوعی در برابر گفتمان‌های مسلط قد علم می‌کنند و هویت خود را بازتعریف می‌کنند؛ بنابراین، بدن خالکوبی شده به یک رسانه برای بیان اعتراض، هویت‌یابی و بازپس‌گیری قدرت فردی بدل می‌شود. علاوه بر این نتایج این تحقیق با نظریه ساخت‌یابی گیدنز قابل تبیین است. گیدنز، بر رابطه دیالکتیکی عاملیت و ساختار تأکید دارد (Giddens, 1984). از این منظر، جوانان نه صرفاً تابع ساختارهای اجتماعی‌اند و نه کاملاً آزاد؛ بلکه در تعامل با ساختارها، کنش‌هایی چون خالکوبی را برمی‌گزینند تا هویت خود را بسازند و معنا ببخشند. در مهاباد، خالکوبی را می‌توان به‌عنوان کنشی عامدانه دید که در پاسخ به محدودیت‌ها و فشارهای ساختاری (کنترل اجتماعی، محدودیت‌های فرهنگی، تبعیض قومی و مذهبی) شکل می‌گیرد. جوانان با خالکوبی، ضمن بازتولید برخی معانی اجتماعی، معانی جدیدی خلق می‌کنند و از این طریق بر ساختارهای اجتماعی تأثیر می‌گذارند.

موضوع دیگری که در رابطه با نتایج این تحقیق می‌توان روی آن بحث کرد، بدن به‌مثابه فضا است. بدن، نزدیک‌ترین و شخصی‌ترین فضا برای هر فرد است.

خالکوبی به جوانان امکان می‌دهد تا این فضا را به دلخواه خود شکل دهند و آن را به مکانی برای بیان هویت و مقاومت تبدیل کنند. بدن همچنین فضایی اجتماعی است که در معرض دید و قضاوت دیگران قرار دارد. خالکوبی به جوانان امکان می‌دهد تا با دیگران ارتباط برقرار کنند، پیام‌های خود را به اشتراک بگذارند و هویت خود را به نمایش بگذارند (افراسیابی و شریعتی نسبت، ۱۳۹۸). بدن فضایی فرهنگی نیز هست که تحت تأثیر هنجارها، ارزش‌ها و باورهای جامعه قرار دارد. خالکوبی به جوانان امکان می‌دهد تا با این هنجارها مقابله کنند، ارزش‌های جدیدی را ترویج کنند و فرهنگ خود را بازتعریف کنند (مهدوی، ۱۴۰۱).

بر اساس نظریه گافمن می‌توان این را تحلیل کرد. گافمن (۱۹۵۹) معتقد است که افراد همواره در حال ارائه تصویری از خود به دیگران هستند. خالکوبی به عنوان ابزاری برای نمایش هویت و مدیریت برداشت دیگران از خود قابل تفسیر است. گافمن بدن را به مثابه صحنه‌ای برای مدیریت تأثیرات اجتماعی و نمایش خود می‌بیند (Goffman, 1959). بر این اساس، خالکوبی نوعی «پرفورمنس» یا اجرای اجتماعی است که فرد از طریق آن، هویت مطلوب خود را به دیگران عرضه می‌کند. جوانان مهاباد با انتخاب نقوش و نوشته‌های خاص، پیام‌هایی درباره باورها، ارزش‌ها و تعلقات خود به دیگران منتقل می‌کنند و تلاش دارند تصویری متمایز و خاص از خود بسازند. در این چارچوب، خالکوبی می‌تواند به عنوان بخشی از مدیریت تأثیر تحلیل شود؛ به‌ویژه در پسران که خالکوبی را آشکارا به نمایش می‌گذارند و دختران که به دلیل فشارهای اجتماعی، آن را پنهان می‌کنند. این تفاوت جنسیتی، بازتابی از تفاوت در نقش‌های اجتماعی و انتظارات فرهنگی است (Goffman, 1963).

در نهایت، پدیده خالکوبی در میان جوانان شهرستان مهاباد به عنوان یک کنش معنادار اجتماعی و فرهنگی فراتر از صرف زیبایی‌شناسی و مدگرایی عمل می‌کند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهند که خالکوبی عاملی چندبعدی است که با هویت‌های چندلایه، تعارضات نسلی و نیازهای روان‌شناختی جوانان مرتبط بوده و به عنوان یک فضای مقاومت نمادین در برابر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی مسلط عمل می‌کند. این عمل نه تنها بیانی از هویت شخصی و قومی است، بلکه فرصتی برای جوانان فراهم می‌آورد تا به نحوی فعال در مواجهه با هنجارهای محلی و تأثیرات جهانی خود را معرفی و باز تعریف کنند. لذا، خالکوبی در این بستر به عنوان نمادی از جستجوی معنا

و هویت و نیز اعتراضی نسبت به محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی تلقی می‌شود.

### پیشنهادها و الزامات سیاستی پژوهش

پدیده خالکوبی، به‌عنوان یک پدیده اجتماعی و فرهنگی، در سال‌های اخیر در میان جوانان، به‌ویژه در مناطق حاشیه‌ای و با بافت‌های فرهنگی خاص، گسترش یافته است. درک انگیزه‌ها، معانی و پیامدهای این پدیده، مستلزم انجام پژوهش‌های دقیق و طراحی مداخلات کاربردی است. پیشنهادهای کاربردی ارائه‌شده، باهدف مدیریت پیامدهای بهداشتی، اجتماعی و روانی خالکوبی و حمایت از هویت‌یابی سالم جوانان، بر رویکردهای پیشگیرانه و مداخله‌گرانه تأکید دارند:

- **توسعه دامنه جغرافیایی و فرهنگی مطالعات و تأکید بر مطالعات بین فرهنگی:** تکرار پژوهش در بافت‌های فرهنگی متنوع دیگر ایران، نظیر شهرهای با ترکیب قومی مذهبی متفاوت برای درک ریشه‌های تاریخی و فرهنگی پدیده خالکوبی به‌عنوان یک سنت قومی- محلی ضروری است. این مطالعات تطبیقی، امکان شناسایی الگوهای فرهنگی منحصربه‌فرد و درک تفاوت‌ها و شباهت‌ها در دلالت‌های معنایی خالکوبی را فراهم می‌سازد.
- **تمرکز بر گروه‌های خاص:** مطالعات متمرکز بر گروه‌های خاص، مانند زنان جوان، با تأکید بر چالش‌های جنسیتی و محدودیت‌های اجتماعی، یا گروه‌های سیاسی و هنری، با بررسی نقش خالکوبی در شکل‌گیری هویت جمعی، می‌توانند ابعاد پنهان این پدیده را بیشتر آشکار سازند.
- **پیشگیری فرهنگی- آگاهی بخشی عمومی:** افزایش آگاهی عمومی در مورد خطرات خالکوبی، ازجمله خطرات بهداشتی (عفونت، بیماری‌های پوستی) و خطرات اجتماعی (برچسب زدن، تبعیض)؛ فرهنگ‌سازی و ترویج سبک زندگی سالم با تشویق جوانان به پذیرش خود و بدنشان به شکلی طبیعی و بدون نیاز به تغییرات دائمی؛ ارائه الگوهای مثبت با معرفی هنرمندان، ورزشکاران و افراد موفق که بدون خالکوبی به موفقیت رسیده‌اند؛ تقویت هویت ملی و فرهنگی با تأکید بر ارزش‌های فرهنگی و سنتی که نیازی به تکیه بر خالکوبی برای ابراز هویت ندارند؛ ارائه آموزش‌های هنری به جوانان به‌عنوان یک راه برای ابراز خلاقیت و خودبیانگری بدون نیاز به خالکوبی.
- **استفاده از ظرفیت نظام تعلیم و تربیت و دانشگاه‌ها:** طراحی کمپین‌های

آگاه‌سازی در مدارس و دانشگاه‌ها با مشارکت جامعه‌شناسان و روانشناسان برای تبیین پیامدهای بهداشتی، اجتماعی و روانی خالکوبی، گامی مهم در جهت افزایش آگاهی و کاهش آسیب‌هاست. برگزاری کارگاه‌های هنری جایگزین (نقاشی، مجسمه‌سازی، خطاطی) فضایی برای بیان خلاقانه جوانان بدون نیاز به دستکاری بدن فراهم می‌کند.

- **استفاده از ظرفیت و نقش خانواده:** خانواده‌ها باید با فرزندان خود ارتباط مؤثری برقرار کنند و در مورد مسائل مختلف، از جمله خالکوبی، با آن‌ها صحبت کنند؛ حمایت از فرزندان توسط والدین به طوری که خانواده‌ها باید از فرزندان خود حمایت کنند و آن‌ها را در مسیر درست هدایت کنند؛ خانواده‌ها باید به فرزندان خود مهارت‌های زندگی را آموزش دهند تا آن‌ها بتوانند با مشکلات و چالش‌های زندگی به درستی مقابله کنند. با استفاده از این رویکردها و با همکاری ارگان‌های مختلف، می‌توان از آسیب‌های احتمالی خالکوبی پیشگیری کرد و فرهنگ سالم و مثبتی را در جامعه ترویج داد.

- **حمایت از هویت‌یابی سالم:** ایجاد مراکز مشاوره هویت محور برای کمک به جوانان در کشف و تقویت هویت فردی و جمعی از طریق فعالیت‌های داوطلبانه، مهارت‌آموزی و برنامه‌های گروهی، به تقویت اعتماد به نفس و کاهش احساس حاشیه‌نشینی کمک می‌کند. توسعه پروژه‌های تاریخ شفاهی و مستندسازی فرهنگ قومی نیز به تقویت غرور ملی و کاهش احساس بی‌هویتی می‌انجامد.

- **سیاست‌گذاری اجتماعی:** تدوین دستورالعمل‌های بهداشتی برای مراکز ارائه‌دهنده خدمات خالکوبی و نظارت بر فعالیت آن‌ها جهت پیشگیری از انتقال بیماری‌ها، امری ضروری است؛ ارائه خدمات مشاوره به جوانانی که به دنبال خالکوبی هستند و کمک به آن‌ها برای تصمیم‌گیری درست و آگاهانه؛ همکاری نهادهای قانونی و فرهنگی برای کاهش انگ اجتماعی مرتبط با خالکوبی و جلوگیری از تبعیض در محیط‌های کاری و آموزشی، به ایجاد فضایی بازتر و پذیراتر کمک می‌کند.

- **مداخلات روان‌شناختی:** ارائه خدمات مشاوره روان‌شناختی رایگان در مراکز بهداشت برای جوانانی که خالکوبی را راهکاری برای مقابله با اضطراب، افسردگی یا بحران هویت می‌دانند، امکانی برای دریافت کمک تخصصی فراهم می‌کند. آموزش خانواده‌ها برای بهبود ارتباط با جوانان و کاهش تعارضات

نسلی از طریق کارگاه‌های فرزندپروری، به ایجاد فضایی حمایتی و همدلانه در خانواده کمک می‌کند.

● **بهبود زیرساخت‌های اجتماعی:** ایجاد فضاهای سالم و امن با فراهم کردن محیط‌هایی که جوانان بتوانند به راحتی و بدون نیاز به خالکوبی، خود را ابراز کنند و با دیگران تعامل داشته باشند؛ تقویت حمایت‌های اجتماعی با ایجاد شبکه‌های حمایتی برای جوانانی که در معرض خطر قرار دارند و تشویق آن‌ها به گفتگو در مورد مشکلاتشان؛ ایجاد اشتغال پایدار و برنامه‌های مهارت‌آموزی برای کاهش احساس ناتوانی و بی‌قدرتی در میان جوانان، انگیزه برای گرایش به رفتارهای پرخطر را کاهش می‌دهد. توسعه فضاهای عمومی (پارک‌ها، سالن‌های ورزشی، مراکز فرهنگی) به عنوان بستری برای تعاملات سالم و کاهش انزوای اجتماعی، به تقویت حس تعلق و مشارکت در جامعه کمک می‌کند.

● **استفاده از ظرفیت رسانه‌های اجتماعی و جمعی:** رسانه‌ها می‌توانند با پوشش صحیح و مسئولانه موضوع خالکوبی، به آگاهی‌رسانی عمومی کمک کنند و با مقابله با تبلیغات مبالغه‌آمیز نیز رسانه‌ها باید از تبلیغاتی که خالکوبی را به عنوان یک پدیده مثبت و جذاب معرفی می‌کنند، خودداری کنند و بجای آن رسانه‌ها می‌توانند با ترویج فرهنگ‌های مثبت و سازنده، به کاهش گرایش جوانان به خالکوبی کمک کنند.

در مجموع، پیشنهادها و الزامات سیاستی و کاربردی ارائه‌شده، نقشه راهی جامع برای درک و مدیریت پدیده خالکوبی ارائه می‌دهند. اجرای این پیشنهادها، مستلزم همکاری بین پژوهشگران، سیاست‌گذاران، نهادهای فرهنگی و آموزشی، متخصصان بهداشت روان و خود جوانان است. با تکیه بر دانش و تجربه، می‌توان به سوی جامعه‌ای سالم‌تر و پویاتر گام برداشت.

### ملاحظات اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش، اصول اخلاقی از جمله کسب رضایت آگاهانه، حفظ محرمانگی اطلاعات، امکان خروج داوطلبانه از پژوهش و احترام به حریم خصوصی مشارکت‌کنندگان رعایت شد. کلیه داده‌ها به صورت ناشناس و صرفاً برای اهداف علمی مورد استفاده قرار گرفت.

### تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

## منابع و مأخذ

ایران دوست، سیدفهمیم (۱۳۹۰). سنخ شناسی سبک‌های زندگی: مطالعه موردی جوانان شهر مهاباد (پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی). دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه کردستان، ایران.

امیدی، ایوب (۱۴۰۰). بررسی و تحلیل نقش‌های خالکوبی در مردان شهرستان ایوان. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۱۱ (۲)، ۲۵۳-۲۸۱.  
<https://doi.org/10.22059/ijar.2022.342510.459749>

افراسیابی، حسین و طاهره شریعتی نسب (۱۳۹۸). بازنمایی معنا و تجربه خالکوبی در میان زنان جوان، مجله جامعه پژوهی فرهنگی، ۱۰ (۳)، ۲۶-۴۹.

ادیبی سده، مهدی و سیدهادی جلال آکردی (۱۳۹۲). مدیریت بدن و هویت اجتماعی: جوانان دختر و پسر شهر ساری، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، ۳ (۹)، ۲۲-۹.  
<https://doi.org/10.22051/jwsp.2011.1404>

ارمکی، آزاد و حسن چاوشیان (۱۳۸۱). بدن به‌مثابه رسانه هویت، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۴ (۴)، ۵۷-۷۵.  
 باکاک، رویرت (۱۳۸۱)، مصرف، ترجمه خسرو صبری، تهران: نشر شیرازه.

بهره‌بر، مارال (۱۳۹۹). رابطه اثربخیزی از تبلیغات و اضطراب اجتماعی با خالکوبی در دختران جوان شهرستان گچساران (پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی). دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران، ایران.

توانا، محمدعلی و محمود علی‌پور (۱۳۹۴). بدن، سوژه و تکنولوژی‌های خود: درس‌هایی از راه‌حل فوکویی برای جامعه امروز. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲ (۱۲)، ۱-۳۳.

ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۹). سبک زندگی جوانان، تاریخ مراجعه ۱۴۰۳/۵/۱۵. قابل دسترس در

[www.hamshahrionline.ir](http://www.hamshahrionline.ir)

ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی جوانان ایران، تهران: نشر آگه

ریتزر، جورج (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.

سنگی، فاطمه (۱۴۰۱). ارتباط بین عزت‌نفس و پنج عامل اصلی شخصیت با میانجیگری تأثیر شبکه‌های اجتماعی در افراد دارای خالکوبی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه غیردولتی خاتم.

شهابی، محمود (۱۳۸۶). سبک‌های زندگی جهان و طنانه در میان جوانان و دلالت‌های سیاسی آن‌ها. کتاب الگوهای سبک زندگی ایرانیان، چاپ اول پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.

عباس‌زاده، مهنوش و علیرضا خدای (۱۳۹۹). نشانه‌شناسی فرهنگی نقوش خالکوبی زنان بختیاری ساکن خوزستان، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۱۹ (۱۰)، ۲۷۹-۳۱۶.

<https://doi.org/10.22059/ijar.2021.319038.459659>

فکوهی، ناصر (۱۳۹۶). خال‌کوبی از سنت تا مدرنیته شهری، تاریخ مراجعه: ۱۴۰۳/۷/۱۷. قابل دسترس در:

<http://naserfakouhi.com>

کبیری، افشار (۱۴۰۳). تحلیل جامعه‌شناختی پدیده قتل ناموسی با رویکرد تفسیرگرایی اجتماعی، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی، ۴۵ (۲)، ۶۹-۹۲.  
<https://doi.org/10.22108/rsrspi.2024.140587.1970>

گافمن، اروینگ (۱۳۸۶). داغ ننگ (چاره‌اندیشی برای هویت‌های ضایع‌شده)، ترجمه مسعود کیانپور، چاپ اول. تهران: نشر مرکز.

مهدوی، ایمان (۱۴۰۱). اسطوره‌شناسی تاتو در بافت فرهنگی ایران با تأکید بر رویکرد رولان بارت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شرق.

لش، اسکات (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی پست‌مدرنیسم، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر مرکز.

لوبروتون، داوید (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی بدن، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر ثالث.

Atlı, A., Akkaya, M., & Şad, S. N. (2021). Tattooing: A popular way of self-expression among university students. *Current Psychology*, 41, 8965-8974. (Published online 2021; final issue December 2022).

Atkinson, M. (2003). *Tattooed: The sociogenesis of a body art*. University of Toronto Press.

Abbaszadeh, M., & Khodami, A. (2020). Cultural semiotics of tattoo patterns among Bakhtiari women in Khuzestan. *Iranian Anthropological Research*, 10(19), 279-316. [In Persian] <https://doi.org/10.22059/ijar.2021.319038.459659>

Adibi Sadeh, M & Jalal, A, S Hadi (2013). Body Management and Social Identity: Young Men and Women of Sari City, *Quarterly Journal of Sociological Studies of Youth*, 3(9), 9-22. <https://doi.org/10.22051/jwsp.2011.1404>

Afrasiabi, H., & Shariati Nasab, T. (2019). Representation of meaning and tattoo experience among young women. *Journal of Cultural Studies*, 10(3), 26-49. [In Persian]

Armaki, A., & Chavoshian, H. (2002). The body as an identity medium. *Iranian Journal of Sociology*, 4(4), 57-75. [In Persian]

Atkinson, M. (2003). *Tattooed: The sociogenesis of a body art*. Toronto: University of Toronto Press.

Bahrebar, M. (2020). The relationship of susceptibility to advertising and social anxiety with tattooing among young women in Gachsaran (M.A. thesis in Psychology). Islamic Azad University, Gachsaran Branch, Iran. [In Persian]

Bakak, R. (2002). Consumption (K. Saberi, Trans.). *Tehran: Shirazeh Publishing*. [In Persian]

Corbin, J., & Strauss, A. (2015). Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory (4th ed.). *Thousand Oaks, CA: Sage*.

Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2018). Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches (4th ed.). *Thousand Oaks, CA: Sage*.

DeMello, M. (2000). Bodies of inscription: A cultural history of the modern tattoo community. *Durham: Duke University Press*.

DeMello, M. (2000). Bodies of inscription: A cultural history of the modern tattoo community. *Duke University Press*.

Ebrahimi, F., & Jalal Akordi, S. H. (2013). Body management and social identity: Boys' and girls' youth in Sari. *Journal of Youth Sociological Studies*, 3(9), 9-22. [In Persian]

- Omadi, E. (2021). Investigation and analysis of tattoo roles among men in Eyvan city. *Iranian Anthropological Research*, 11(2), 253-281. [In Persian] <https://doi.org/10.22059/ijar.2022.342510.459749>
- Erandoost, S. F. (2011). Typology of lifestyles: Case study of youth in Mahabad city (Master's thesis). *Faculty of Literature and Humanities, University of Kurdistan, Iran*. [In Persian]
- Faghihi, N. (2017). Tattoo: From tradition to urban modernity. Retrieved October 9, 2024, from <http://naserfakouhi.com>. [In Persian]
- Fakouhi, N., & Loubroton, D. (2013). Sociology of the body (N. Fakouhi, Trans.). *Tehran: Saless*. [In Persian]
- Flick, U. (2018). An introduction to qualitative research (6th ed.). *London: Sage*.
- Foucault, M. (2007). Nietzsche, genealogy, history. In Selected texts from Modernism to Postmodernism (A. R. Rashidian, Ed.; N. Sorkhoush & A. Jahandideh, Trans., 6th ed., pp. 373-393). *Tehran: Nashr-e Ney*. [In Persian]
- Giddens, A. (1985). The constitution of society: Outline of the theory of structuration. *Cambridge: Polity Press*.
- Giddens, A. (1991). Modernity and self-identity: Self and society in the late modern age. *Cambridge: Polity Press*.
- Goffman, E. (1959). The presentation of self in everyday life. *Garden City, NY: Doubleday*.
- Goffman, E. (1963). Stigma: Notes on the management of spoiled identity. *Englewood Cliffs, NJ: Spectrum*.
- Goffman, E. (2007). Stigma (M. Kianpour, Trans.). *Tehran: Markaz*. [In Persian]
- Holmes, A. (1998). Greenpeace wins media war. Retrieved November 25, 1998, from <http://www.independent.co.uk/international/green25.htm>
- Irwin, K. (2001). Legitimizing the tattoo. *Deviant Behavior*, 22(1), 27-52. <https://doi.org/10.1080/016396201750065494>
- Irwin, K. (2001). Legitimizing the tattoo. *Deviant Behavior*, 22(1), 27-52. <https://doi.org/10.1080/016396201750065494>
- Kabiri, A. (2024). Sociological analysis of honor killing phenomenon with a social-interpretive approach. *Strategic Social Issues Research*, 45(2), 69-92. [In Persian] <https://doi.org/10.22108/srs-pi.2024.140587.1970>
- Kosut, M. (2014). The artification of tattoo: Transformations within a cultural field. *Cultural Sociology*, 8(2), 142-157. <https://doi.org/10.1177/1749975513517257>
- Kosut, M. (2014). The artification of tattoo: Transformations within a cultural field. *Cultural Sociology*, 8(2), 142-157. <https://doi.org/10.1177/1749975513517257>
- Lash, S. (2004). Postmodern sociology (H. Chavoshian, Trans.). *Tehran: Markaz*. [In Persian]
- Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). Naturalistic inquiry. *Beverly Hills, CA: Sage*.

- Mahdavi, I. (2022). Mythology of tattoo in Iranian cultural context (emphasis on Roland Barthes approach) (Master's thesis). *Islamic Azad University, East Branch, Tehran, Iran. [In Persian]*
- Moon, J. M., Janigo, K. A., & Johnson, K. K. P. (2012). Tattoos and the self. *Body & Society*, 18(4), 91-113. <https://doi.org/10.1177/1357034X12468343>
- Mun M. J., A. K. Janigo, and P. K. K. Johnson (2012), "Tattoo and the Self, Clothing and Textiles", *Research Journal*, vol. 30, no. 2.
- Nathanson, C., Paulhus, D. L., & Williams, K. M. (2006). Personality and misconduct correlates of body modification and other cultural deviance markers. *Journal of Research in Personality*, 40(5), 779-802. <https://doi.org/10.1016/j.jrp.2005.09.002>
- Pitts-Taylor, V. (2003). In the flesh: The cultural politics of body modification. *New York: Palgrave Macmillan*.
- Pitts-Taylor, V. (2003). *In the flesh: The cultural politics of body modification*. Palgrave Macmillan.
- Reeves, S., Albert, M., Kuper, A., & Hodges, B. D. (2008). Why use theories in qualitative research? *BMJ*, 337, a631. <https://doi.org/10.1136/bmj.a631>
- Strauss, A., & Corbin, J. (1998). Basics of qualitative research: Techniques and procedures for developing grounded theory (2nd ed.). *Thousand Oaks, CA: Sage*.
- Sangi, F. (2022). Relationship between self-esteem and Big Five personality traits mediated by social networks among tattooed individuals (Master's thesis). *Khatam Non-governmental University, Iran. [In Persian]*
- Shahabi, M. (2007). Cosmopolitan lifestyles among youth and their political implications. In *Patterns of Iranian Lifestyles. Research Institute for Strategic Studies, First Edition. [In Persian]*
- Shiling, C. (2021). The body and social theory (H. Shahraki, Trans.). **[In Persian]**
- Tavan, M. A., & Ali Pour, M. (2015). Body, subject, and self-technologies: Lessons from Foucauldian solutions for contemporary society. *Institute for Humanities and Cultural Studies*, 2(12), 1-33. **[In Persian]**
- Zakaie, M. S. (2008). Lifestyle of youth. Retrieved August 6, 2024, from [www.hamshahrionline.ir](http://www.hamshahrionline.ir). **[In Persian]**
- Zakaie, M. S. (2008). Sociology of youth in Iran. *Tehran: Agah. [In Persian]*

